

که اخراجا تش را چهار صد و پنجاه هزار تومان دیده اند و از
برای چنین عمل بزرگ این اخراجات بسیار کم است چونکه
بنادارند که این راه را در سه سال تمام نمایند و خواه بدین
باید فراموش آورد که آن نذرند که سرانجام کردن این خواه
بجهت پاشای مصر چندین اشکالی داشته باشد و در کار
و این راه را می سازند

اول مصرفیم در خصوص بخا بد استثنی مرد و اما قاعده غریب
داشته اند اجزائی بدن مرده میزد و می بستند اند که
خشک می شده و ضایع نمیگردد و بعد پارچه پاک
پنبه و غیره بدوش میچسبند. اند که مرده را پوشیده و کفین
می شده اند ازین مرده ها از عهد فرعون مصر که تخمینا
سال بلکه چهار سال پیش ازین باشد در مملکت
زیاد است چند سال پیش ازین یکی ازین مرده ها را کفین را
کشوند در میان کفن او قدری گندم بافتند و این گندم را
در او ریزند و کاشتنند و رویند و حال ازین گندم در
انگلین زیاد شده است و بسیار گندم پر زور خوبی است
از جمله نوشته اند که یک ریش آن گندم که از یکدانه نشسته
بوده است مقدار شش سنبل داشته است و این
در اول تابستان بوده که هنوز گندم درست بسته نشده
بوده و در هر سنبل بیست دانه گندم که حساب نمایند
بیشتر از هزار و پانصد دانه گندم از آن یکدانه روینده است

در چراغ و غیره بکار میرسد منفعت خوب می کنند و کارشان
بسیار رواج است و خوب پیش میرود و انعام هم مثل ازین
از دیوان در داده اند و این انعام موافق اندازه بزرگ
گشتی است که گشتی که جای هزار و پانصد جزو بار گیر داشته
باشد شش هزار تومان از دیوان انعام بگیرد و بنادارند
که پنجاه گشتی تازه بجز مجامع شمالی بجز شکارهای بزرگ

روانده نمایند
در روزنامه آخر که از هندوستان آمد نوشته اند که در شهر
بمبائی و بنگال و بدیش تدارک میدیند که اگر لازم باشد
قشون بسط شهر بگون روانه نمایند در شهر بمبائی دو
از قشون انگلیس و چهار فوج از قشون هندی بجهت این سفر حاضر
کرده بودند

نیامین دولت نیکی دنیای شمالی و یکی از شهرهای که گشته که بر زمین
انگلیسی شده بسیار است و شش نفر از کشتیانان نیکی دنیا گشتی آنها در آنجا
بود یکی از اهل برین موقوف بودند اینها گشتی نوشته در وانه شده بودند
اهل آنجا بزور قهالتش در فتنه آنها را از دریا گرفته و بشهر آورده بودند
حال بخت اهل نیکی دنیا اینست که کشتیهای مزبور در دریا گرفته اند که
که زامیت بجهت تردد اهل کل عالم کشاده مگر نزد یک کتا خشکی که در تصرف
دولتی که باشد از آن خاک می شمارند و از اهل آن طرف نوشته جوایش
کرده اند که حدود سه خودشان را در دریا نزدیک کتا بر مملکتی

معین معلوم نمایند اعلانات

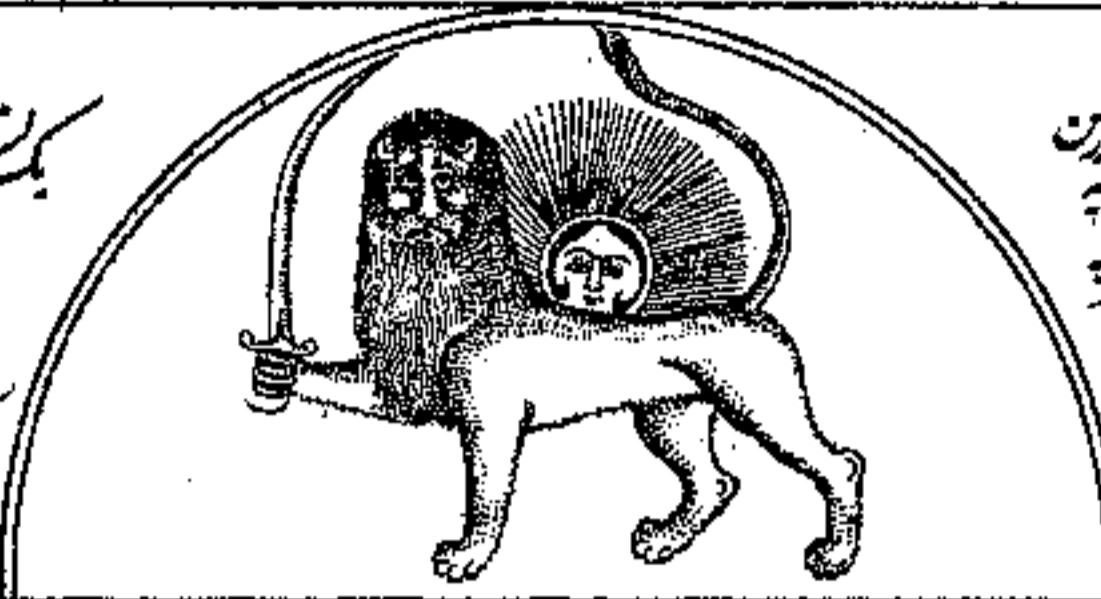
کتابهای چاپی طهران در خانه حاجی عبدالعزیز در روز دوشنبه و در این روز
شماره
—
—
—
شماره الزائر یک تومان
شماره انانه یک تومان
شماره ایوان سبحان یک تومان

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که آن اشخاص
گشتی بدیاری نیکی دنیا میزنند بجهت گرفتن نامی ماکول مهم و
که بسبب بجز مجامع است بجز شکارهای بزرگ که در وقت

در روزنامه مفسر گذشته تطابق نمره ۱۲ مطلبی سهواً
 در روزنامه نوشته شده بود از آنجا که بنای روزنامه
 بر صدق و حقیقت است لازم آمد که آن سهواً اتفاقی درین
 نموده شود میرزا حسینعلی نوری که در قریه زرکنده در
 شده بود نوکرهای جناب وزیر مختار روس اورا بار دوی
 پادشاهی نیاورده بودند بلکه عالیجا میرزا مجید میرزای
 که قرابتی با میرزا حسینعلی داشت از آن سفارت خواسته
 با اختیار خود شش بار دوی هایون آمده بود که بگوید معلوم
 که برادر زن او بی تقصیر است و نیز نوکرهای جناب وزیر
 که دخیل در این کار نبودند انعام از جانب اولیای دولت
 علیه داده شد بلی انعامی دادند تا تسکین از آن پادشاهی
 زیرا که وقتی که ملا شیخی را فرستادند پادشاهی از قریه اوین
 گرفت شبانه زرکنده آورده بودند میرزا از آن مزبور که اول
 احترامی جناب وزیر مختار کشیک ملا شیخی را کشیدند
 و اینک میرزا حسینعلی در قریه زرکنده دستگیر شدند ازین
 بابت بود که پناه بار دوی سفارت دولت بهیه رویه
 برده باشد بلکه از فرار یک گفته شد منزل او در خانه میرزا
 بوده است بدین است که مجرم دولت وانگهی از اینگونه
 مقصرین و مجرمین هرگز نجای آن نیست و از انقاد که پناه بار دوی
 سفارت اند دولت که با دولت علیه ایران حکم واحد

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه بیست و چهارم ماه ذی قعدة الحرام مطابق سال سیچقان ۱۲۶۰

وقت روزنامه
یکشنبه شب یکشنبه
قیمت اعلام است
حساب کسب و حساب
بیشتر است



مردم شاد و جام
بر سر دروازه خردار
روزها با دربار
در دکان سید
بودند شاد و شاد

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز جمعه بیستم این ماه سرکار اقدس پادشاهی از قضیه نیاداران با رک سلطانی دارالخلافه طهران تشریف فرما گردیدند و انالی و احیان و عموم سنگنه شهر از تجار و کسبه و غیره با اسباب احترامی که درین دولت علیه متداولست با استقبال شادمانی و شادمانی را معمول داشتند و در موکب هایون چنانچه قانون این دولت علیه است از نیاداران تا شهر بکرات شیلیک زنبورک نمودند و بعد از ورود موکب هایون بعمارت ارک سلطانی از توپخانه مبارکه میدان ارک شیلیک شادمانی نمودند و اعلیحضرت پادشاهی در تخت مردم و پادشاه مبارک نشسته سلام عام فرمودند و امر او را در بارهایون کلی شرفیاب حضور فرمودند و در روز شنبه در میدان ارک اسباب عیش و شادمانی بجهت عموم خلق ترتیب داده شد و چون که یکشنبه درین دولت است و بدین وجود قالیچه اسب و

پادشاهی است خاصه در این اوقات که خاصه نام طالب شرفیابی بودند اعلیحضرت پادشاهی بعمارت سردر و پادشاه مبارکه که شرف بیدان ارک تشریف فرما شدند و عموم خلق از زیارت اعلیحضرت پادشاهی نهایت بخت خاطر و خورسندی ظاهر ساخته تقدیم بر اسم شکر گذاری و دعا گویی را معمول داشتند جناب جلالت آبا احمد و قیام اقدی المکی کبیر از جانب دولت علیه عثمانیه مقیم دارالخلافه طهران که چند روز قبل ازین وارد دارالخلافه شده بود در روز بیستم این ماه با صاحب منصبان سفارتی خود در کمال احترام با شاد و ولتین علیه السلام شرفیاب حضور اعلیحضرت پادشاهی گردیدند و اعلیحضرت پادشاهی نسبت بجناب سعزی الیه و سرانان او کمال التفات فرمودند و بعد از ترخیصی از حضورهایون با هرا مان خود که شرفیاب حضورهایون شده بودند بدین جناب جلالت آبا صدر اعظم نشاند

۴۹۷

در روز سه شنبه بیست و دوم این ماه جناب جلالت
صدر اعظم افخم باز دید از جناب ایلیچی کبیر دولت
عثمانیه نمودند

مشق حاضرستند

سایر ولایات

کرمانشاهان از وزارتیکه در ضمن تحریرات در روز
کرمانشاهان نوشته شده بود بعد از آنکه مرده صحت
وسلامت وجود مسعود اعلیحضرت پادشاهی به
شاهزاده امامعلی میرزا حکمران کرمانشاهان رسید
بود همان ساعت اعیان ولایت را احضار کرده
و دستخط مبارک اعلیحضرت پادشاهی را به ایشان
نشان داده بودند و کلی از روی کمال شفقت و استیجاب
بتقدیم مراسم شکرگذاری مشغول شده و خود توابع
معرفی الیه بکرات سجدهات شکر الهی را بعمل آورده بعد از آن
قدغن کرده بودند که عمده نقاره خانه از اول شب تا طلوع

درین مدت توقف موبک هایون اعلیحضرت پادشاهی
در سیلاق نیاوران که امیرالانوار العظام اجودان باشی
بامور باندن شهردار اخلان بود کمال اتمام در نظم شهر
بعل آورد خاصه بعد از حدوث واقعه اتفاقیه بطوری سعی
کافی ظاهر کرده که حالت سابق و لاحق استحکام شهر با
تفاوتی نداشت و صد از احدی در نیامد عالیجا محمود خان
کلانتر که خدایان شهر نیز با اجودان باشی بودند و در نظم
شهر کمال کوشش را داشته اند عمده خدمت موجوده بخیر
خوب برآمده اند

امورات قشونی

فوج جدید سیلات قزوین در روز سه شنبه بیست و دوم
این ماه در خارج دروازه دولشان دیده شد
مقرب انخانان لشکر نویسی باشی و امین لشکر و سایر
لشکرتوابعان عظام سان آنها را دیدند

صبح طبل بشارت زبند و صبح از نورس در
توینخانه مبارکه حسب المقررنیجاه بیرون شلیک شادمان
انداخته و تمام شهر را این بسته و چراغان نموده بودند
سجدهی که در پشت بامها تیراتش فروخته بودند و توابع
معرفی الیه در بذل صدقات و مزدگانی لازم است تمام
بعل آوردند سبب توابعان رسم برسم تقدیق وجود
مسعود هایون اعلیحضرت شاهنشاهی بهر باره هایون انقاد
داشته بود و حکم شد که بذل فقر شود و سایر خواجین
و صاحب منصبان و امالی و اعیان آنجا نیز شکرانه

فوج بهادران حسب الامراء مسجدهایون اعلیحضرت پادشاهی
بامور ساخلفا فارس گردیده و در روز پنجشنبه در میان
انجام روانه مقصد و منزل منزل بدون توقف و درنگ
بفارس میروند

این بشارت عظمی ذیح قربانها و مهانیها و بذل صدقات
بفقرانموده لوازم شکرگذاری و شادمانی را معمول کردند
چنانچه از وزارتیکه نوشته بودند بعد از ورود و چاپار و
مرده صحت و سلامت وجود هایون خانه نبودند

توینچیان و افواج قاهره حاضر کباب سبایون هر روزه
در میدان ارک و در میدان مشق خارج دروازه دولت
مشغول مشق میباشند و صاحب منصبان آنها صبح و
عصر مشغول مشق بوده میران پنجه و شربهان در میدان

قربانی نموده و از روی کمال شرف و رغبت بقصد
نداده باشند

بکن دو عباسی سفید است و سایر چیزها نیز از همین قریب
فرزادان دارند آن است

شاهزاد و ولایت

و یک نوشته بودند که جماعت لرستانی مشهور بکادو
که قبل از رساندن چای را مرده صحت و سلامت
وجود مسعود مایون اعلیحضرت پادشاهی را بولایت
این خبر را جیف راستینده بودند بعضی بزرگی نسبت
بهترین که محال کرمانشان است و چنانچه نموده
دست اندازی بانجام کرده بودند نواب شاهزاده سید
نفرس بانها و ندی باد و عراده توب بانفاق عالیجاه
باقرخان قصبه و سواره ابوالجهمی او مامور بودند که فتنه
اشترار لرستانی را ادب نمایند که بعد از این این
قسم حیات و هرزگی از آنها صادر نشود و عاقبت
علیقلی خان بوزباشی کرمانشاهی را هم مامور نموده اند
که چند بار قورخانه بر داشته به راه مامورین بتأیید
و تنبیه اشترار نموده بروند

اند که قرار یک در روز نامه شاهزاد و نوشته بودند
و رود چای از بانجام و وصول بشارت صحت و سلامت
وجود فایض ابجد حضرت آدس مایون پادشاهی
الهی آنجا از و منشیع و شریف و عالی و ادانی اغایب
و مسرت و شاهزاد مانی نموده و سه شب هر افغان کرده
بودند و عالیجاه شاهزاد خان پسر مر قاضی قلی خان حاکم
شاهزاد که در غیاب پدرش در آنجا نایب حکومت
بر سپیدن چای را دستخط مایون اعلیحضرت پادشاهی را
فستاده است در مسجد خوانده و به کلی الهی آنجا نشان
داده اند و مسوم الهی آنجا نهایت شکر گذاری
شاهزاد مانی نموده و سر باز و توپچی که توقف آنجا بوده اند
شیک شاهزاد مانی نموده اند

۴۹۹

و بسنجین فرج زنگنه ابوالجهمی عالیجاه میرزا احمد خان
و فرج گردی ابوالجهمی عالیجاه جیاتی خان را نیز
احضار بشهر کرمانشان نموده اند که اگر لازم بشود
که بجهت انجام خدمات دیوانی آنها را مامور نمایند
باشند

و یک نوشته بودند که بقدر هزار نفر از طایفه ضالو ترکمانیه
بعزم تاخت و تاز و چپاول سمیت شاهزاد و سلطان
و آن اطراف آمده بوده اند بعد از وصول مرده صحت
سلامت وجود مایون از آنجا مراجعت کرده بوده اند عاقبت
افراسیاب خان زردتپی مطلع شده و آنها را تعقیب
نموده و مقرب آنجا خان محمد و لیخان بیکر بسکی استرآباد

۴

و یک از تعبیر اجناس آنجا نوشته بودند که بجهت
نهایت ارزانی است و هر چیز کمال و خرد و فرادانی را
دارد از جمله کسندم خرواری شش هزار و جو خرد
چهار هزار و روغن بکن دو هزار و پنج بکن مویشاهی سفید
و نخود و عدس دو هزار و من یک هزار و دینار و گوشت

نیز اطلاع داده و مشارالیه هم با جمعیت و استعداد
پیش آمده و در سرمد کرکان شواره مزبور را از دوطرف
شکست فاحش داده کمال رشادت و جلالت خود را
ظاهر ساخته اند و آنها را بجای از آن صفحات گریزانده اند

اصفهان

از فرار که در روزنامه اصفهان نوشته شده بود
 امر آنجا از حسن مراقبت عالیجاه چراغعلی خان نایب
 در کمال انتظام و انضباط و فوج دماوندی با فوج بی
 اصفهان و توپچیان متوقف اصفهان در میدان مشهور
 بنفش جهان مشغول مشغول شدند و سه روز تا سه
 از روز گذشته مشغول اشتغال دارند و در نهایت
 نظم و درستی حرکت بینامید و از احدی خلاف
 قاعده ناشی و صادر نمی شود و عالیجاه شاره ای در
 در امر نوکر و رعیت دارد و عموم مالی آنجا در رفاه و آسایش
 بدعی دولت جاوید مشغول اند

اجبار دول خارج

درین هفت روزنامه اجبار از فرنگستان رسید و لیکن
 میان آنها چیزی که قابل زحمت کردن و نوشتن در روزنامه
 باشد نبود مگر آنچه در احوالات متفرقه نوشته شد

احوال متفرقه

دولتهای فرانسه و آستریه و سایر دول که سرحدن در کنار
 اتریش است هر یکی یک ایچی باطین مین کرده اند که در مشورت
 نشسته فراری در خصوص کراختین سجد مالک خودن بگذارند
 که مدت توقف مردم در کراختین در هر ولایتی بیک قرار با
 و از بعضی جایها که کراختین لازم نباشد برداشته شود
 و این فرار را سبب این میگزارند که در خصوص کراختین
 سخلق اذیت کمتر رسد و بجهت نگاه داشتن کراختین
 در آن سرحدات مردم از سرایت ناخوشیهای
 محفوظ باشند

در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته شد که نواد افندی که از
 جانب اعلیحضرت سلطان نبرد پاشای مصر فرستاده
 در اوقات توقف در مصر اموال و متروکات محمد علی
 حکمران این مصر را که در میان وراثت او چندی گفتگو و مرقه
 بود و باینطور گذرانده است که کل اموال محمد علی پاشا را
 بیست و پنج بلین فرانک که تخمینا پنج کر در پول ایران
 میباشد حساب کرده اند و این تخم را قرار کرده اند
 که تا مدت ده سال هر سال یک قسط بانها بپردازند
 و وراثت محمد علی پاشا سعید پاشا و حلیم پاشا و محمد علی
 و دو دخترند

سجد پاشای مزبور درین اوقات بفرنگستان رفته است
 اول از شهر استنگذریه بشهر سبیلز که اول خاک فرانس
 رفته و بعد از آن پاریس پای تخت فرانسه رفته و در آنجا
 کمال التفات و بهرانی از پرسس لویی ناپلیان رئیس اول
 دیده و از خاک فرانسه بولایت انگلیس رفته است و موافق
 خبر آخر که رسید در آن ولایت توقف کرده است

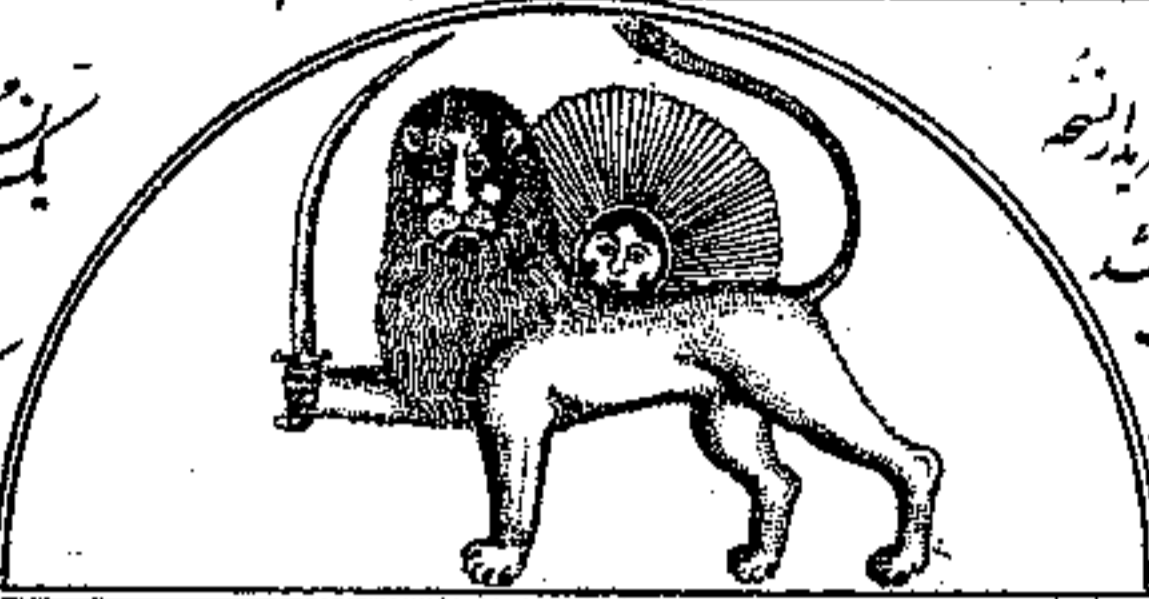
اعلانات

کتابهای چاپی طهران در باسره خانه حاجی عبدالحمید در محله نزدیکی
 دروازه دولاب ازین قرار فروخته میشود

- فانوس سه تومان
- جمع العجین سه تومان
- معراج السعاده پانزده هزار
- زبدة المعارف بیست و چهار
- تاریخ پطر کبیر دو تومان
- شحه الزائر یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز سه شنبه ۱۲۶۰

قیمت روزنامه
یک ششما یک ماهه
قیمت اعلانات
یک سطر چهار سطر
بیشتر با هر سطر



بزرگداشت پنجم
برگسر در طهران خریدار
درین روزنامه باشد
در بازار جدید دروگاه
سید تقی در فروش
میشود

اخبار واحداثه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

و خوانین افغان و هرات با پیشکش از قبیل و ج
نقد مسکوک بکه جدید باسم مبارک اعلی حضرت
پادشاهی و شال و اسب بدر بارهایون پادشا
می آورد
مرحوم فضل الله خان میر خجسته که در شیراز مهور
خدمت بود بر حمت ایزدی پوست سرکار اعلی حضرت
پادشاهی و اولیای دولت قاهره محض
پس حقوق خدمات او فراین مسایون و
و ثواب جیه خلعت برای نسبت عالیجایان
نطفعلی خان سرمنگ و فتحعلی خان پسران مرحوم
مزنور و امید واری آنها با لطفت لوگانه حمت فرمود
بصحابت محمد رضا بیک پیشخدمت جناب
جلالت آتاب صدر اعظم انجم ارسال داشتند
که بخلعت هر طلعت با یون پادشاهی خلعت و با
که دیده و لکرم مراسم خدمتگذاری این دولت
قوی شوکت باشند

چون بعضی انرفتند جویمان و اشعار تو آب عباس
که در رسم بود برای افتاد خود بهانه و دست
کردند سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی محض رحمت در بار
معزی البی که اسودکی و فراغتی از مکاید منفذین حاصل
ناید امر و معترف نمودند که رفتند خود با عیال در
عتبات عالی درجات متوقف و مجاور باشد
و مبلغ هزار تومان برای اخراجات عرض راه
و مهیت خانه که در آنجا اتیاع نمایند نقد بصیغه
انعام مرحمت فرموده و سه هزار تومان هم
برای اخراجاتشان مرحمت و بر سر فرمودند
که همه ساله از حاکم همدان دریافت و صرف
گذران خود نموده بفرغ مشغول زیارت باشند
از قراریکه از خراسان نوشته بودند معربین
سام خان ایلیخانی که در هرات بود عالیجاه
پسر مرحوم ظهیر الدوله را با چند نفر از رؤسا

۵۰۱

کتاب

ملا شیخ علی تهریزی بانی ملعون زاکه در مره ۲۲ نوشته شده بود که بقولای علمای اعلام کشته شد چون علمای اعلام در تحقیق عقاید او تامل داشتند چند روز کشتن او را بتأخیر انداختند که عقاید باطل او تحقیق شود بعد از آن معلوم شد که این ملعون غیث راس و رئیس این طایفه صالحه و ادعای نیابت باب که از ایمی نماید و اغوا می کند ازین فزاد و نموده و اعتقادش فاسد و خلاف قانون شریعت مطهره نبوی است در روز چهارشنبه سلحیه علمای اعلام و قلم الله تعالی در بالاده دیوانخانه مبارک حاضر شده و مجدداً او را مجبور خواسته و تحقیق عقاید باطل او را کرده حکم بقتل او کردند و در میدان ارک کلبه خود رسید

در باب پنجم یکی دنیا که در اول بجای حب الامر اولیا دولت قاهره بامر او اعیان و صاحبان الماک داده شد که بکارند و بیل سپا و رند از جمله بقرب انخافان عبسی خان پسر دارالخلافه طهران داده شده بود از قرار یک مقرّب انخافان مشارالیه درین مکتب بسیارترین روزنامه اعلام کرده بود آنهمه نیزه مزبور را بجای جعفر خان سهارا میرآباد داده و مشارالیه در امیرآباد کاشته و بیل آورده است چون تخم پیچیده جو بود یکی کسب زوکی سفید هر یک را علاقه کاشته است حالاً که فعل آمده هر یک به او قریب چهار پنج سینه حقیقیه است و تا چند روز دیگر پنبه نمایان خواهد شد و آن تخم که سبز بوده بار آور تر از تخم سفید است

امورات قسوتی
 فرج بهادران بر حسب امر اعلیحضرت پادشاهی سببه

ساخولی فارس با مور شده و در روز یکشنبه بیت و مغم ماه ذیقعد الاحرام از رکاب مبارک روان شدند
 نوکر سنگاچی بجهت فراولی در روزهای دارالخلافه طهران چهارصد و یکصد و هشتاد و دو نفر از نوکر لاریجانی حاضر رکاب مبارک شده اند که قرار نوکر آنها داده شود
 افواج قاهره حاضر رکاب ها یون هر روز مشغول مشق میباشند و کل صاحب منصبان اعم از میزان پنجه و سر قیپان و سر نشان هر روز در خارج دروازه دولت مشغول مشق میباشند
 توپچیان حاضر رکاب هر روز وقت طلوع آفتاب با کمال نظم مشغول مشق میباشند
 صاحب منصبان افواج قاهره نظام هر روز مشغول مشق نظامی میباشند
 سایر ولایات
 کیلان از قرار یک در روزنامه رشت نوشته بود که ولایت در نهایت امنیت و انتظام و فراوانی و ارزانیست و عموم مردم در رفاه و آسودگی مشغول معاش و انت آهوس مایون شانشاهی میباشند از قرار یک نوشته بودند سابقاً در کیلان تکیه حسینیّه بنیاد شده است مقرّب انخافان عبسی خان والی کیلان در رشت تکیه حسینیّه و جمیع روزهای عجم را به تعزیه داری جناب ابا عبد الله حسین مشغول بوده و جمیع علما و فضلا و عموم خلق حاضر می شوند

۵۰۲

سکون

ولید از مراسم تعزیه داری مشغول و عا کونی ذات
 اقدس بامون پادشاهی مشغول و مسرعه از نزل کمال
 انضباط و انتظام را دارد عالیجاه میرزا محمد علی صاحب
 مهام خارج کبیلان هر ماهی یک مرتبه بجهت رسیدگی
 بامورات قشون و سایر کارهای دیوانی با تفریح میبرد
 و امورات آنجا را نظم میدهد و سان مستحقین را
 دیده بقورخانه و غیره سفر کثیف نماید و در حاجت میکند
 و نه نفر دزد در شهر و محلات کبیلان دزدی میکرده اند
 از اتهام مقرب اشفاقان و الی کبیلان با اینکه بسیار
 جنگل و درخت کبیلان دزد کمتر بدست می آید برده نفر
 دستگیر شده اند و نفر آنها را سیاحت کرده
 و قنیه مضبوطی نموده و مابقی را در سر محلات چوب
 بسیار زده و بعد حکم مجسم نموده و مجسم
 دیگر نوشته بودند که سه چهار نفر طفل در انزلی در کنار
 آب دریا بازی میکرده اند مرغ چرخ که همیشه در روی
 دریا مشغول شکار ماهی است خود را بمیان آب زده
 یک ماهی گرفته بخشکی آمده بوده است که ماهی را بخورد
 اطفال سنگ بان مرغ انداخته بودند مرغ ماهی
 گذاشته و به هوا بلند شده بوده است اطفال هر گز
 ماهی را بر داشته بوده اند مرغ دو باره پائین آمد
 و عوض ماهی کلاه یکی از آن اطفال را بر گرفته و به او پرواز
 نمود اطفال که اینطور دیدند ماهی را بزین انداختند
 مرغ از هوا آمده کلاه را انداخته ماهی را بمقتار گرفته
 و به هوا بلند شده بود

بروجرد و عربستان

از قراریکه در ضمن خبررات عربستان و لرستان
 نوشته شده بود بعد از آنکه عالیجاه میرزا بیج مستوفی بروجرد
 و وکیل نواب شاهزاده و الایات ارجاسام الدوله فرمان
 که بدستخط مبارک فرستاده شده بود بعد از وقوع مقدمه
 طایفه ضاله بابیه با اینکه چاهارخانه در آن راهبان
 بنواب معزی الیه با یک نفر آدم ایشان فرستاده و
 بود جمیع امانی بروجرد و سنبله خوز و عربستان و لرستان
 شد اما از این بسته چراغان نموده بودند و سه شبانه روز
 تمام مردم از روی کمال شغف بعیش عشرت مشغول شده
 مراسم سکرگذاری صحت و سلامت وجود اعلی حضرت
 پادشاهی را بتقدیم رسانده بودند و بشکر از این
 نعمت عظمی و بشارت کبری بقران صدق داده بودند و از
 حسن اقب نواب معزی الیه با اینکه آن صفحات محل
 بختیاریت بهیچوجه از آنها خلاف قاعده بعد از وقوع
 این مقدمه اتفاقه ناشی و صادر نشده بود و شت نفر از
 بختیاریت را که مشاره رزکی شده بودند عالیجاه محمد حسین خان
 نایب الحکومه شاهزاده معزی الیه هم گرفته بروجرد
 فرستاده بود با اینکه نواب معزی الیه در نظم و انتظام امر
 آن صفحات کمال اتمام دارند و این اوقات بجهت
 وصول الایات و نظم ولایات با جمعی خود در
 لرستان میباشند
 دیگر نوشته بودند یک نفر سید از امانی صنمان بروجرد فرقه بود که
 فسادش و از آنجا فرار کرده باره نواب شاهزاده الیه هم میرزا محمد
 نموده بود نواب معزی الیه مطلع شده او را گرفته تبری خود رسانده بود

۵۰۳

خراسان

که در سر راه بودند مطاع شده آنها را جلو گیر کرده
 از قرار یک در روزنامه خراسان نوشته شد
 از اتهامات اولیای دولت علیه امر آن صفحات در
 کمال نظم و انضباط است و قوادخانهها که در یک
 از منازل ساخته شده خیلی مضبوط و منظم است
 و بین سبب از طایفه ضاله ترکمانی هر چه بیاید
 و هر قدر باشد مخدول و لا اوست که با دست خورده گرفتار
 میکردند و نمیتواند مصدر رهنب و غارت شوند
 از جمله از قرار یک نوشته شده بود چند روز قبل این
 سواری از قزوین نماند که سینه بود جنرال در شش ساعت
 شب بنواب شاهزاده و الایثار حسام السلطنه و
 مملکت خراسان رسیده بود نواب معزی الیه میخورد
 رسیدن خبر همان ساعت بیکر سبکی را با در
 دست سوار شامسون که در کمال استعداد بودند
 خبر کرده بودند و آنها سوار شده بر راه ترکمان رفتند
 مقارن ورود آنها بجلکه مشکل سواران سبک با
 وارد شده بودند چون آن موضع جانی نیت کرده بود
 و جمعیت و آبادی داشته باشند زیارت و بویا
 با خان سخته آوردن بی با سنجامیر و نشش نفر از آنها
 که برای آوردن فی در آن صحرایند اسیر کرده بودند
 بعد از آنکه معرفت انخاقان بیکر سبکی با سوار شده
 ترکمانان را تعاقب کرده بودند بعضی از آنها خود فرار
 کرده مستخلص شده بودند با جمله بیکر سبکی پنج نفر از ترکمانان
 و ده ریس اسب آنها را گرفته و چند فرسخ آنها را جا
 کرده بود از انظر فم سوار جامی و ستر جامی و
 که لازم باشد مامور شوند

ضرب معقولی بر کمانان زده اسب و یا بوحشی از آنها
 گرفته و چهار نفر از ترکمانان را هم آنها اسیر و دستگیر
 کرده و شش نفر هم کشته سر آنها را با اسیر با شهر می
 از قرار یک در روزنامه خراسان نوشته شده بود
 طفلی یک ماهه بشهر مشهد مقدس آورده اند که سر او به
 بزرگی بند و اند که تخمیناً سه من وزن داشته باشد
 بوده است و کردن او به بار یکی انگشت و چشمهای او
 بسیار ریزه بود چشم مرغ خانگی بلکه کوچکتر و گوشت
 سر او نرم بوده است بطوریکه انگشت میکند است
 فرو میرفته است و انگشت که برسد استند اند با
 می آید است کسان او آن طفل را با آنجا آورده بودند
 که جراحان بلکه بتوانند معالجه نمایند تا سه روز زنده
 بوده است و بعد فوت شده است
 معرفت انخاقان علیقلی خان میرنجه که چندی قبل از
 در بارها یون با فرج و تو سنجانه سخراسان مامور شدند
 از قرار یک نوشته بودند در دویم ذی قعدة وارد ارض
 اقدس کرده است و دیده است و نواب شاهزاده و الایثار
 حسام السلطنه و الی مملکت خراسان جمعی از اهل نظام
 و صاحب منصبان و غیره را با استقبال مشارک
 فرستاده و لازمه احترام را در باره او معمول کردند
 و در بیرون دروازه سرباسب الاثر وارد و زنده
 که با کمال استعداد آمده و عیبی با سینه که بهر حد
 که لازم باشد مامور شوند

۵۰۴

اخبار دول خارجی

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از این مملکت آمدیت و حکم

سوال بود و در روزنامه لندن نوشته اند که فیما بین

دولت انگلیس و دولت روسی و نیای شمالی در باره

شیلات که در بحر محیط نزدیک بالک انگلیس است

درینکی و نیای شمالی گفتگوئی شده است و آنجا

دولت انگلیس این است که حق مایه گرفتن در شیلات

مال در عایای خودشان است و موافق عهد نامه باید

کسی دیگر در آنجا دخل و تصرف نکند خصوصاً اول دولت

روس و نیای شمالی که بان عهد نامه خط گذاشته و معنی

داشته اند که در آن شیلات حق نداشته باشند

و در عوض دولت انگلیس بآنها شیلات دیگر و آنگاه

کرده بودند در سر این مطلب مابین دولتین فرورد

این اوقات گفتگوی سخت شده است روس

از شهر و از آن مملکت بگویند تاریخ چهارم سوال

نوشته بودند که ناخوشی و با در بعضی جایهای آنوقت

بروز کرده بود خصوصاً در صوبه سیرتس دولت اطبا

بآنجا فرستاده بودند که آنچه ممکن باشد در علاج این

ناخوشی سعی نمایند و لکن اکثر مردم آنجا بسبب ناخوشی

متفرق شده بودند

فرانس

تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت آمدیت و دویم سوال

و در روزنامه آنجا نوشته اند که پرسش لوی ناپلیان این

راده بود و بچند نفر از انمای دولت که اخراج بله شده بود

ولایت خودشان مراجعت نمایند از جمله آنها یکی کسپویر

بود که سابقاً در ایام سلطنت لوی فیلیپ یکی از وزراء بود

لا تارکی و که ولید سعید کبیر از جانب دولت فرانسه برود

سلطان دولت عثمانیه از شهر مسقط روانه شده بود که

اسلامبول بیاید یک کشتی بزرگ بخار مال فرانسه

که نام او شارلنک بود سوار شده بود که از فرانسه

بیاید و این کشتی بسیار بزرگ است و نو و مزاده توپ

وارد در سر راه که از مملکت یونان عبور میکرد در آنجا

خدمت پادشاه یونان شرف شده بود و پادشاه یونان

بنیاد داشت که آب گرم کار از آباد در مملکت مینه بود

اینکه نه حبش قدری ناخوش بود و در همان بن که عازم بود

ایلیچی مرز بود بجزو را و شرفیاب شد و از آنجا تاریخ هشتم سوال

وارد اسلامبول شده بود

عثمانیه

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسه چاپ میزند نوشته اند

که موافق دستخط حاویون اعلیحضرت سلطان رشید پاشا که وزیر

اعظم بود معزول شده بود و عالی پاشا که سابقاً وزیر دول خارجی

بود بجای او وزیر اعظم گردید و احمد فتی پاشا که امیر ترخان بود معزول

گردید و فواد افندی که سابقاً مستشار صدر اعظم بود و بولایت

فرستاده بودند مال و وزیر دول خارجی شده است و درین روزنامه

نوشته اند که چون فواد افندی در دول خارجی بسیار سیاحت کرده

و مناصب بزرگ و مقامات عظمی با و رجوع شده و همه بطور خوب

برده است امید دارند که مثل وزارت دول خارجی را خوب انجام

داین منصب بسیار با و مناسب است و عالی پاشا نیز تا حال وزیر اعظم

اما از حسن رفتار او در اوقاتی که وزیر دول خارجی در کمان خار که مثل وزارت

احوال متفرقه

درین روزها در مملکت فرانسه بنا دارند که توجیه در کافیه
 کاغذ سازی بگذارند درین خصوص خلق بسیار شیخه
 و در روزنامه عریضه بدولت نوشته اند و چونکه چاپ
 کتابها را که باعث تربیت و آگاهی خلق است کار خوب
 میدانند از گذشته این توجیه بسیار بدین آمده است
 در مملکت فرانسه با نقد و پنجاه هزار تومان کاغذ سازی
 و در کتاب و کاغذ که پنجاه و شش میرسد پنجاه و شش
 و ازین سالی و دیت هزار تومان کتاب و کاغذ باطل
 میفرستند و دولت پنجاه هزار تومان بملکت بفرستد
 هزار تومان بملکت سپانول و صد و پنجاه هزار تومان بملکت
 ساردینه و صد هزار تومان بملکت سرب و صد هزار تومان
 بملکت عثمانیه و صد هزار تومان بولایت برابریل و سیصد
 هزار تومان بولایت سیکی دنیای شمالی و سایر ممالک
 روی زمین هم نسبت بسعت و حیثیت هر کشوری
 و کتاب فرانسه اند حتی بملکت چین میرود و چونکه ازین
 تجارت عمده مردم بسیار منتفع میشوند و باعث که در آن
 معاش بسیاری از خلق است از دولت اسد عا کرده
 که این توجیه را نگذارند و از پنجاه توجیهات دیگر که حالا میخواهند
 قرار بگذارند یکی در اسباب است و یکی در سکه بپیراز است
 بیکش عیاد سکه چوپان که از آنها توجیه میخواهند برفت
 وزیر محاسبه بکمان وارد که ازین توجیهات سالی یک
 و دولت هزار تومان بدیوان عاید شود
 و در یکی جزیره رودشس در دیان دریا درین روزها
 جویشد و از کشتی پنجاه تاخت و غارت می

از آنجخت دولت استریه یک کشتی جنگی با پنجاه ستاده
 که محافظت از کشتیهای تجاری خودشان کرده باشند
 در یکی از روزنامه های فرانسه که دیباچه می نامند در
 مملکت استریه باین طور نوشته اند که از وقتی که در آن ولایت
 جنگ اتفاق افتاده داخل مالیات که بدیوان عاید می شود
 پنجاه و شش مطالب می آید اما درین اوقات و در بسیار
 سعی و کوشش کرده اند و بطوری نظم در داد و ستد و انظار
 این مملکت گذاشته اند که بعد ازین مالیات انولایت
 پنجاه و شش را خوب می پندد چونکه در سال آینده خیال دارند
 که اخراجات را کمتر نمایند و بعضی چیزها که تا بحال بدیوان
 داخل نداشت داخل داخلات دیوانی خواهند کرد امید
 دارند که در سال آینده داد و ستد این مملکت بهتر شود
 تا بحال از راه آهن که پنجاه تریه کالک ساخته اند مالیاتی
 برای دیوان گرفته اند و مابقی را به اسم از دولت درین
 کار گذاشته اند اما از حال ای دولت هزار تومان پول
 ایران داخل راه کالک برای دیوان معین شده است
 چهار سال پیش ازین از مملکت مجارستان مالیاتی بریدند
 حال این ولایت بسیار خوب ترقی کرده است و بعد ازین
 مالیات خوب از آن ولایت خواهند برداشت چهار سال
 پیش ازین در بعضی جاهای این ولایت تردد بسیار مشکل بود
 چونکه راه پنجاه تریه و کالک و غیره در مملکت مجار
 نبود حال در بسیار جاها راه آهن پنجاه تریه و کالک ساخته
 ساخته اند و پنجاه تریه کشتی کهنه اند و چهار صد و
 کشتی بنجار در رودخانه و نوبت ساخته اند و از بسکه پنجاه

۵۰۶

ان سست فراوان است و ترود مردم خیلی میشود
 میگویند که این کشتیا کفایت احتیاج خلق را نمیکنند
 سابقه دولت استریه در رودخانه پوششی داشت
 حال عهدنامه با امرای مالک ایلانیا است و بنا بر آن
 که کشتیها و رانجها را به پندارند آنوقت بارها و سنجاق
 از وسط مملکت سیویس بدریای آیند و از آنجا با برنگ
 روی زمین میروند این عمل با هر بجهت دیوان خرج داشت
 تا بحال داخل و مالیات ازین کار برداشته نمی شد
 اما بعد ازین داخل زیاد ازین کار را خواهند برداشت
 درین روزنامه در ولایت اخلیس کشتی بسیارند که بزرگترین
 کشتیهای دنیا است و تا بحال کشتیهای بزرگی در هیچ جای
 ساخته نشده است این کشتی کشتی جنگی پادشاه است
 و بطوریکه در این روزنامه نوشته اند صد و چهل عراده
 توپ در او گذاشته شده و طول این کشتی هفتاد و سه
 ذراع است و عرضش هجده ذراع و ارتفاعش شش ذراع
 و حساب کرده اند که اگر این کشتی را از کندیم پکن بپند
 از یازده هزار خردار کنند هم میگیرد هنوز این کشتی را
 به آب نینداخته اند اما درین روزنامه بدربار خواهند نوشت
 و خرج بنجار در میانش میگذارند که هم بیخ بنجار را
 برو و هم بیاد بان

کا که میباشند قشون بجهت ساخلو بگذارند و ایام قدیم
 اینجا شهری بسیار آباد بود و تجارت زیاد درست
 مالک آن دیکر داشت و جزو مالک کانتنطنیه بود
 بعد خراب شد و تجارت که در آنجا داشت شهرهای دیگر
 کشید و شد حال دولت فرانسه امید دارند که این
 شهر را باز آباد بکنند اطرافش جای حاصل آوار است و
 غله و میوه بسیار در آنجا بعل می آید و کا و کو سفید
 دارد و میزیم آنجا فراوان است چونکه جنگ در آن نزدیک
 و از درهای آنجا مرجان در نیاید و جمال دولت فرانسه
 در گذاشتن قشون در آنجا این است که قلم در میان
 قبایل اعراب آن سست بگذارند
 در یکی از روزنامه های نوشته اند که صاحبان
 از جانب پای برونه بولایت استین و مالک است
 آن سست رفته بودند که قشون بجهت پایا در آنجا بگیرند
 و از اهل آن سست قشون گرفتند و میخواستند
 بروند بر بند چاکران دولت پر و سبه منجر شدند و کت
 و معلوم نبود که بعد ازین خواهند گذاشت که قشون از آنجا
 بگیرند یا باز مانع خواهند بود
 در روزنامه اسلامبول نوشته اند که پادشاه یونان
 که بجهت تغییر آب و هوا پای کرم مملکت رفته بود بنا
 داشت که تا اول پاییز در آنجا بماند و از آنجا بشهر سوچی
 پای تخت مملکت بآرتی خواهد رفت و بعد از آن بپتیه
 پای تخت استریه
 اعلیحضرت امپراطور استریه پای تخت وینه رحبت کرده
 بود و بیاد کاری سفرش را دیده است تا ترکیب پول زده

۵۰۷

بودند بعضی ازین نشانها طلا و بعضی نقره و بعضی مس و بعضی
 از مملکت ایتالیا نوشته اند که در اینان در آن ممالک
 که در دست دولت استریات بسیاری از مردمان
 گرفته بچوس میگردند بجهت اینکه میگویند که این اشخاص
 داشتند که در آن ولایت باز اقتتاش و جنگ برپا
 و سراه فرار بجای مملکت ایتالیا که در لادن مستند مصلحت
 هم شور بوده اند و کاغذ بهد بگری نوشته اند و نوشتجات
 آنها را بدست آورده اند و بسیاری از اینها مردمان دولتی
 و صاحب چیزند
 در روزنامه اسپانول نوشته اند که با قولایت خبر آمده
 بود که بعضی از ایل سبکی دنیای شمالی باز بنا داشته اند که
 مانند سابق سخره کرده و حمل بسیارند و دولت اسپانول
 تدارک دیده بودند که اگر بسیار از آنها را زود گرفته و بتر
 خودشان برسانند و چند کشتی از شهر هونو بیرون رستند
 بودند که در دریای آکشت گشتند که این اشخاص اگر با نظر
 بیایند آنها را در راه بگیرند و کشتیهای دیگر حاضر کرد
 که اگر این اشخاص در راه دستگیر دولت نشوند در هر جا
 آن خبره که بیرون بیایند زود قشون بگیرند آنها بترستند
 آنها را بگیرند
 در یکی از روزنامه های هندو نوشته اند که پادشاه سینه
 شهر حجورغ آمده بود و از آنجا بنا داشت که به برلین پایتخت
 دولت پروسیتیه بدین پادشاه پرورش بود
 پادشاه بلژیک که به آب گرم و ایزن بادن رفته بود بتاریخ اول
 سوال پهای تخت خود را حجت کرده بود

۵۰۸

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که موسیوی
 که مدتی در اسلامبول از جانب دولت فرانسه تا
 سفیر کبیر مصلحت گذار بود و بعد از ورود سفیر کبیر مملکت فرانسه
 روانه شد و از آنجا بملکت مصر با امور خواهد شد که از آنجا
 دولت فرانسه در ولایت مصر و تنول جزال باشد
 ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در میست
 ماه رمضان در ارزنة الروم زلزله سخت شده بود چند خانها
 افتاده و سه زن در زیر خرابیهای خانه مانده و مرده بودند
 با کثر خانهای آنجا کم و بیش ازین زلزله خرابی رسیده و در دولت
 اطراف نیز زلزله سخت شده بوده است اما زلزله که در دولت
 شده است بشتر تاثیر مکرده بوده است در دماغ اطراف
 ارزنة الروم تا پنج فرسخ سیزده نفر از افتادن خانها
 دسی و شش نفر زخمی شده اند
 اعلانات
 کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید باسهمی
 استاد دارالطباعة این روزها مباحثه نزدیک و دروازه
 و ولاب الطباع شده از این قرار فرودخته میشود
 زینت المجالس یک تومان
 فصول خوارزمی دو تومان
 قصص الانبیاء پنجاه دینار
 حدیقه ثنائی یک تومان
 یوسف زلیخا چهار هزار
 حسینه چهار هزار
 العسلی بیت و پنجاه

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲ خرداد ماه ۱۳۰۶

نزدیک شاد و شوم
هر کس در طهران خرید کرد
ازین روزها ما با شاد و شوم
باز در همه دروگان
بلور فروش فروخته شود



قیمت روزنامه
یک نسخه هر یک در تهران و چهار
قیمت اعلانات
چهار خط اول هر خط یک روز
بیشتر هر خط یک روز

اجبار داخل ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون صفا و رونق و طراوت و خوشی آب و هوای عمارت
و باغ و او در مشفق بجناب جلالت لصاب صدر اعظم
در نظر اقدس علیحضرت پادشاهی آنذ فو که تشریف
فرماده بودند بسیار مطبوع و پسندیده افتاده بود
روز پنجشنبه هفتده گذشته برای تفریح با آنجا تشریف
فرماده و چهار روز آنجا تمایل فرمودند و تا عصر در آنجا
تشریف داشتند و جناب جلالت لصاب صدر اعظم
انحتم نیز در آنروز حضور داشتند و مرکب با یون
عصر در آنجا تشریف داشتند و عصرانه در آنجا حاضر
شد چون عالیجاه موسی خان پسر جناب معظم امیر
نهار و عصرانه آنروز را بطوریکه لایق حضور طوکانه بود ترتیب
داده بود و حسن سلیقه عالیجاه شارا لیه در تدارک آنروز
در نظر انور علیحضرت پادشاهی بسیار مقبول پسندیدند
افتاد و لهذا یکتوب جبهه ترمه بسم خلق عالیجاه شارا لیه
مرحمت و عنایت فرمودند

عموما و انتظام امور و ترفیه جمهور ساکنین اماکن مشرفه
خصوصا هوار منظور نظر اولیای دولت قاهره است
لهذا این اوقات حسب الامر اقدس با یون اعلیحضرت
پادشاهی اختیاریا انتظام امور ولایت قسم را از هر
جبهت و هر حیث بقصد کفایت و درایت مقرب السلطان
انتظام الملک محمول و معوض داشته فرمان مبارک نیز
از صدر خلافت کبری صادر گردید

چون عالیجاه یزدان ویردی خان برادر مقرب الخاقان
ساختن ایچانی سنگام مأموریت عالیجاه شارا لیه
براث در غیاب او از عهد انتظام و انضباط امر و
و سایر خدمات دیوانی بطور شایسته برآید حسن
او در نظر اولیای دولت قاهره بسیار مقبول پسندیدند
افتاده بود و لهذا محض ظهور مرحمت طوکانه در باره عالیجاه
یزدان ویردی خان خلعت هر طلعت و فرمان اتفانت
بافتخار عالیجاه شارا لیه حرمت و ارسال شد

چون عالیجاه میرزا عبدالستوفی از روزیکه مأموریت
با مأمور میزان آذربایجان شده بود از روی کمال صداقت
در صورت

در راستی از عمده خدمات محوله بخود بطور شایسته
برآمده اولیای دولت علیه را از حسن خدمتگذاری خود
را ضعیف ساخته بود لکن این روز صاحب الاشارة علیه
سبیل بکیمد و پنجاه تومان بر مواجب این او افزوده فرما
ببارک شرف صدور یافت

عالیجاه سرزاد عبدالرحیم از عمده تقدیم خدمات میرزا
آذربایجان بطور شایسته و خوب برآمده بود لکن این
اوقات حسب الامر قدس مایون اعلیحضرت ساقی
بنصب میرزا آقاسی آذربایجان مقرر و سه هزار شش
فرمان قضایان نیز از مصدر خلافت کبری شرف
صدور یافت ارسال شد

امور استثنائی
چون عالیجاه شیخ علی خان سرنگ فوج خلیف م سالها بود
که در راه خدمت دیوان اعلیٰ آمار ریافت و شایستگی خود را
ظاهر ساخته و در اسفار خراسان در مدت ساختن بنا
وزامه قراولی شهر شهید مقدس و انتظام آنجا لازمه جدید
اتمام لعل آورده حسن خدمات او در پیشگاه حضور بابر النور
مایون مقبول و پسندیده افتاده لکن این اوقات بنصب
سیرپی حسب الاشارة العلیه سرافراز گردیده فرمان مبارک
نیز شرف صدور یافت ارسال شد

عالیجاه و لیجان سرنگ فوج سیلا خوری چون در راه
دیوان خاصه در اسفار فارس و تسخیر طلیحات آنجا
لباقت و حسن خدمت خود را بکار بنیعی ظاهر ساخته خوب
شمار مرحمت لکن آنجا آمده بود لکن این اوقات حسب الاشارة
بنصب سیرپی فوج مزور سرافرازه فرمان دیوان چون نیز
از مصدر خلافت عظمیٰ مایون ارسال شد

نوکر پیاده شکایتی را بتاریخ بیوم دو شنبه پنجم ماه ذیحجه
مستغیب انجانان لشکر نویس باشی و این لشکر و لشکر نویس
در نگارستان حاضر نموده و سان آنها دیده شده
سبب و مقدار وقت نفع حاصلی آنها بود

توپچیان حاضر رکاب مبارک را اعلیحضرت پادشاهی
وجه تقداز خزانه عامه بجهت مواجب نه ماهه آنها مبلغ ده هزار
تومان مرحمت فرمودند و چهار پنج روز است مقرر بآنجا
لشکر نویس باشی و فضا انقاسی سربت توپخانه مبارک و
این لشکر با لشکر نویس ان مشول دادن مواجب آنها

این روز صاحب الامر اعلیحضرت پادشاهی سواره
افواج مفضله ذیل مقرر شد است که الی آخر ماه محرم بدعا
توارده

چهارصد نفر	حلیت نفر	حلیت نفر	حلیت نفر
اقای خردین	سایه اولی و در سیکل	سایه اولی و در سیکل	سایه اولی و در سیکل
چهارصد نفر	حلیت نفر	حلیت نفر	حلیت نفر
اقای خردین	سایه اولی و در سیکل	سایه اولی و در سیکل	سایه اولی و در سیکل
چهارصد نفر	حلیت نفر	حلیت نفر	حلیت نفر

فوج نهادارانیه فوج برادر علی فوج قدس
اقای خردین و در فوج برادر علی فوج قدس
حاضر رکاب مایون شده و در حضور مبارک سنان چند
در رسیدگی با سب و اسلو آنها شده و بمواجب
ششماه آنها رسیدگی شود

شیره چارمن	دو هزار و صد دینار	شیر	چارمن	دو هزار و صد دینار
عزما چارمن	سه هزار و شصت	عزما	چارمن	سه هزار و شصت
کشیش چارمن	دو هزار و چهار صد	کشیش	چارمن	دو هزار و چهار صد
پیان بکچوار	هفت هزار و ده	پیان	بکچوار	هفت هزار و ده
هندوانه چل من	سه هزار	هندوانه	چل من	سه هزار
انگور بیست من	دو هزار و چهار صد	انگور	بیست من	دو هزار و چهار صد
خرزبه تیر چل من	چهار هزار	خرزبه تیر	چل من	چهار هزار
چار تومان و دو دینار	دو هزار	چار تومان	و دو دینار	دو هزار
سه هزار و پانزده شاهی	دو هزار و پانزده	سه هزار	و پانزده شاهی	دو هزار و پانزده
برنج غبرو چارمن	دو هزار و پانزده	برنج غبرو	چارمن	دو هزار و پانزده
برنج کزده چارمن	دو هزار و پنج	برنج کزده	چارمن	دو هزار و پنج
روغن چارمن	یک تومان	روغن	چارمن	یک تومان
گوشت یکمن	هزار دینار	گوشت	یکمن	هزار دینار
نان بکچوار	بیست و هزار و دو دینار	نان	بکچوار	بیست و هزار و دو دینار
بهر شور چارمن	نهمین	بهر شور	چارمن	نهمین
مات چارمن	یک هزار و چهار صد	مات	چارمن	یک هزار و چهار صد
تباکوی اعلی چارمن	شانزده هزار	تباکوی اعلی	چارمن	شانزده هزار
تباکوی وسط چارمن	دوازده هزار	تباکوی وسط	چارمن	دوازده هزار
قنداری یکمن	شش هزار	قنداری	یکمن	شش هزار
قندری یکمن	چهار هزار و صد دینار	قندری	یکمن	چهار هزار و صد دینار
نبات یکمن	سه هزار و ده	نبات	یکمن	سه هزار و ده
شکر سفید یکمن	سه هزار	شکر سفید	یکمن	سه هزار
بک من	دو تومان	بک من		دو تومان
میخک یکمن	نهمین	میخک	یکمن	نهمین
دارچینی یکمن	یک تومان	دارچینی	یکمن	یک تومان
ظفل یکمن	دو هزار و هفتاد	ظفل	یکمن	دو هزار و هفتاد
کندم ساوجی بکچوار	بیت و یک هزار	کندم ساوجی	بکچوار	بیت و یک هزار
کندم غزیه بکچوار	دو تومان	کندم غزیه	بکچوار	دو تومان
کندم دور شهر بکچوار	نوزده هزار	کندم دور شهر	بکچوار	نوزده هزار
کندم در این بکچوار	پانزده هزار	کندم در این	بکچوار	پانزده هزار
بکچوار	دوازده هزار و پنجاه	بکچوار		دوازده هزار و پنجاه
بکچوار	چهار هزار و پنجاه	بکچوار		چهار هزار و پنجاه
بکچوار	چار تومان و دو دینار	بکچوار		چار تومان و دو دینار
بکچوار	سه هزار و پانزده شاهی	بکچوار		سه هزار و پانزده شاهی
بکچوار	بیت و پنج هزار	بکچوار		بیت و پنج هزار
بکچوار	بیت و پنج هزار	بکچوار		بیت و پنج هزار
بکچوار	سه تومان	بکچوار		سه تومان
بکچوار	دو تومان و دو دینار	بکچوار		دو تومان و دو دینار
بکچوار	دوازده هزار و پانزده	بکچوار		دوازده هزار و پانزده
بکچوار	یک تومان	بکچوار		یک تومان
بکچوار	دو تومان	بکچوار		دو تومان
بکچوار	شش هزار	بکچوار		شش هزار
بکچوار	هفت هزار و ده	بکچوار		هفت هزار و ده
بکچوار	یک تومان	بکچوار		یک تومان
بکچوار	چار تومان و چهار	بکچوار		چار تومان و چهار
بکچوار	سه تومان	بکچوار		سه تومان
چارمن	هفت هزار و پنجاه	چارمن		هفت هزار و پنجاه
چارمن	دو هزار و صد دینار	چارمن		دو هزار و صد دینار
یک قطعه	دینار	یک قطعه		دینار
یازده بیضه	یک جاسی	یازده بیضه		یک جاسی

سایر ولایات

استرآباد از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته شده بود این اوقات بمقرب انخاقان محمد ولیخان بکلیک
انجا خبر رسیده بود که قدری از سواره که از آنجا گذشته
بهر راه خراسان رفته اند بعد از تحقیق معلوم شد بود
که سیصد نفر بوده اند بیکلر سبکی جان ساعت اردو
در دهنه افغان گذاشته و جای آنها را درست محکم نموده
پیاده هر بلوکی را در سنگر خودش جا بجا نموده در عیال
میرزا سعد الله خان را بواسطه بدیتی که با نور آن صفحات
در اردو گذاشته و خود با عیالجاه حمزه خان انزلی و
سیصد نفر سوار و یک عراده توپ و یکصد و پنجاه نفر
پیاده همراه خود برداشته ترکمانان را تعاقب کرده
بهشت فرسخ راه رفته بودند در آنجا مجدداً خبر رسیده بود
که ترکمانان مزبور هزار نفر سوار استند و سه دسته شده
بیکلر سبکی فی الفور بقدر دست نفر از سواره که کلان
انتخاب نموده فرستاده بود که قراول این سواره
باشند در این اثنا پنجاه نفر از سواره ضاله گشته برای قراول
نزدیک آمده بودند مقرب انخاقان محمد ولیخان بکلیک سبکی
با سواران همراهش با آنها جنگ خوبی نمود
ترکمانان را شکست داده تا قیروز آباد آنها را تعاقب
نموده و بقدر بیستی نفر از آنها کشته و ده نفر را زنده
نمودند و آنچه مسم از راه خراسان سیر آورده
بودند که تخمیناً چهل نفر می شدند همه را مستخلص کرده
با و طمان خود روانه کرده بودند و شانزده سوار ترکمان
مزبور که دستگیر و مقتول شده بودند بدربار عیال

۵۱۲

انقاد کرده بود و بهین جهت محض رحمت طوکانه برآورد
یک توبه جبهه زمره برای مقرب انخاقان محمد ولی خان
و یک قبضه شمشیر براق طلا برای عیالجاه حمزه خان
انزلی رحمت کرده با فرمان مایون ارسال شد

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند
نواب شاهرزاده دالاتی صاحب سلطنت و الی مملکت
خراسان بجهت تصدق وجود فایض اجداد قدس
مایون اعلیحضرت پادشاهی بقدر یکصد و بیست
کوسفند با وجی نقد داده اند که در مدارس مساجد
و صحن تبرک و غیره بطلاب و ضعفا و فقرا توزیع و دست
نمایند و حسب المقررات شکان نواب معزی ای
کوسفند ما را برده و بیچ نموده با و به نقد بقر و ضعفا و ارباب
استحقاق و طلاب و غیره تقسیم نموده و بهر رساننده
دعای خیر بجهت از دیاد عسیر و دولت اعلیحضرت
شوکت پادشاهی حاصل کرده اند

دیگر نوشته اند که در سنگهای اوزان ارض اند
شده مقدس اختلافی بوده و بعضی اشخاص سنگ کم
چیز میفروخته اند نواب حسام سلطنت بجهت امتحان
و خزانه از دکانی گرفته آورده کشیده اند و کم بوده آن
شخص را که کم فروخته بوده است فرستاده آورده اند
و تقبیه نیز از او نموده اند و بعد قدغن کرده اند که کل
سنگهای اوزان بقال و نانو او عسیر را از آن
ساخته هر زیسته که بعد ازین کسی نتواند کم فروشی
و تقلب کند

۵۱۱

اجبار دول خارجه

انگلیس در روز نامه اینولایت نوشته اند که
 علیا حضرت پادشاه انگلیس که سجدت تابستان بهار
 کنار دریا که در جزیره ویت واقع است رفته بود درین
 روز با کشتی شصین خود سوار شده سجدت و تقوی در
 دریای آن کسست بتیز و سیاحت رفته بود و بعد
 مزبور مراجعت کرده بود بعضی از خوانین و دولتمندان این
 سجدت خودشان کشتیهای کوچک تیز و بسیار
 با زینت نگاه میدارند و بعضی اوقات این کشتیها را
 اسب دوانی با یکدیگر در روی دریای تازند و در هنگام
 مراجعت پادشاه بهار خود خوانین و دولتمندان
 کشتی دوانی کردند و پادشاه تماشا نمود و چونکه هوا
 بسیار خوب و با صفا بود بسیار تماشای خوب نمود

بینگی دنیای شمالی

از شهر واشینگتن پای تخت این مملکت نوشته اند
 حضور گفتگویی که ماهین دولت انگلیس و دولت بینگی دنیا
 در باب شیلات بود و زرای بینگی دنیا با انجمن
 مقیم شهر واشینگتن در مابین بحث و گفتگو بودند و لکن دولت
 انگلیس در سر راهی خود سخت ایستاد بود چند کشتی
 جنگی در سر شیلات مزبوره داشتند و چند کشتی دیگر باین
 فرستاده بودند که نگذارند کسی دیگر دخل و تصرف شیلات
 مزبوره بکند و غیر از کشتیهای دولتی که در آنجا هستند کشتیهای دیگر
 از رعایای خودشان گراپ کرده و قشون در میانشان گذاشته اند
 که هر کس از اهل دولت دیگر که با آنجا بیاید مانع شوند و نگذارند
 انمای دولت بینگی دنیا ازین گذارش بسیار و محو هستند

و سچا کران دیوان خودشان اعلام کرده اند که دوزخیت این عمل
 دولت انگلیس باعث برسم حوزه کی و خوزری این دوین است

سایر دول فرنگستان

از فرار یک در روزنامه می نویسند دولت استریه و سایر
 دول کوچک مالک ایتالیا کمان کلی داشتند که مفیدین
 که چند سال پیش ازین انقدر جنگ و اعتشاش و خوزری
 کرده بودند باز درین روزها مجبوره استند که در آنولایت
 فساد برپا نمایند و در چندین جا کاغذ آتار که در خارج آنولایت
 نوشته بودند بخصوص ولایت انگلیس بدست چاکران دولت
 آمد از جمله در مالک استریه واقع در ایتالیا و در روم و پان
 و در مالک استریه مردم زیاد گرفتند که کمان داشتند که
 این اعمال بوده باشند و در روم نیز چند نفر گرفته اند که در
 خصوص اعمالشان تحقیق شود قشون فرانسه که مدتی سجدت
 و نظم نگاهداشتن شهر روم و مالک آن اطراف مانور
 بودند باز در آنجا چپا شدند و از گذارش روزگار معلوم
 که بدون قشون مزبور در آنجا سجدت نگاهداشتن نظم بسیار
 لازم است با اینکه نظم قشون فرانسه که مقیم شهر روم
 میباشد و بهیچکس بی سبب و بیجا اذیت نمیرسانند
 و لکن اهل روم با اهل فرانسه که در آنجا هستند دوستی و صفا
 ندارند که با چشم حسد و مخاریت با آنها نگاه میکنند
 از آنها شکست خورده اند و حال اگر چه اسم دولت
 روم بنام پاپ بزرگ ملت کتولیک عیسوی است و لکن
 قشون فرانسه که در آنجا سجدت نظم ولایت روم را جلو
 میباشند و آنجا استقلال دارند و صاحب ولایت
 و با تسلط میباشدند

احوال متفرقه

طرف جنوب می آمد کل خانهای آن محله با یک آتش گرفت و سوخت
 تخمیناً صدها خانه و صد و پنجاه باب دکان و یک مسجد
 یک قراول خانه سوخته شد کشتیهای فرانسه
 باز با پنجاه آمد و امداد در خاموش کردن آتش نمودند و در
 همان شب نیز در محله اشکو در آتش افتاد بود و بیست باب
 خانه سوخت و نزدیک نصف آتش دیگر در محله خاص کرفی
 افتاده و سیکونید در اینجا چهار صدها خانه و دکان سوخته
 شده و پنج ساعت سوختن آتش در اینجا طول کشید و در
 روز جمعه در محله سلطان محمود آتش افتاده اما نظام آتش خاموش
 رود و خبردار شدند و آمدند و غیر از آن دکان که آتش گرفته بود
 نگذاشتند که بجای دیگر میرفت باید و در شب یکشنبه در غلته
 در دو جا آتش افتاده اما زود خاموش کردند و در شب شنبه
 در یکی از بهترین محلات اسلامبول که نزدیک مسجد سلطان
 احمد است آتش افتاده بود و چهار صد خانه که بعضی از آنها
 خانهای عالی بسیار خوب بزرگ بودند باد و سحر سوخته
 شد و در پایین آتش گرفتن خانها کله امنای دولت در اینجا
 جمع شده و نظام آورده بودند که آتش را خاموش نمایند
 و در آن در بین آتش گرفتن خانها مجال یافت از خلق کبیر بول
 و ساعت بسیار چیزها که در جیب داشتند میرودند بعضی
 می گفتند که این آتش را مردمان دزد متقلب قصد انداخته آ
 که درین بین کار دزدی خودشان را پیش ببرند و چند نفر
 گرفته و مجبورس کرده اند تا تخمین شود و در روز چهارشنبه
 دو ساعت از شب رفت در محله سولوما نیز آتش افتاد
 و با اینکه هوا بسیار آرام بود و بادی وزید تا بعد از طلوع
 آفتاب شعله سوختن باقی بود و با وجود کوشش نظام آتش خاموش
 کن

موافق روزنامه اسلامبول که روز نال زده کا
 بنامند درین روزها خانهای زیاد در اسلامبول و اطراف
 او آتش گرفت و سوخته است مردم بسیار متضرر شده
 بخصوص بعضی مردم فقیر و بی بضاعت که بسیار تنگ
 دیده اند درین خصوص در روزنامه که تاریخ او هفتم
 سوال است باینطور نوشته اند که در دهم ماه فروردین یک
 بغروب آفتاب در اسلامبول در محله پیش اسکله سی
 آتش افتاده و تا نصف شب مشتعل بود سیصد و شصت
 باب و کابین و انبار و غیره و دو باب قراول خانه آتش
 گرفته و سوخته است و در جنگ و در زیر قشون بگری برود
 با پنجاه آمد و قشون آوردند که مشغول خاموش کردن آتش
 باشند کشتیهای فرانسه از کشتیهای شانلینگ
 شب قبل که در اینجا بودند با امداد خاموش کردن آتش آمدند
 و چون این آتش نزدیک کنار دریا اتفاق افتاد باد شعله
 آتش را بروی کشتیها برده و کم مانده بود که کشتیها
 آتش بگیرند کشتیهای نر و جنسی بسیار مردم آمدند تا اینکه
 کشتیها را از کنار دریا بیاوردند که کشتیها که از آتش
 جانها که خشکی میسوخت این باشند با وجود اینکه کشتیها
 سخته آب پاشیدن بروی خانها آورده بودند باز کم
 مانده بود که خانها تامل تازه که در اینجا ساخته اند آتش بگیرند
 و در نیمون اسکله سی هر چه خانه بود سوخته شد و در آن
 در یکی کوفی که کنار بنامی باشد در آتش گرفته و سوخته
 شد و در روز پنجشنبه چهار ساعت بعد از ظهر آتش نزدیک
 بکنیه در ویشهای بیک اولی افتاده چون باد شدید

و چاکران و انمای دولت و خلق هزار و شصت و هشتاد و شصت
باب خانه آتش گرفته و بالمره سوخته بود و در خان روز
آتش نزد یک بغیرستان بزرگ یک و نعلی اتفاق افتاد
بود اما احمد پاشا بزرگ مدینه حریبه با آدمهای خلق
سجود آمد و زود آتش را خاموش کردند و محل بعد از
خاموش کردن آتش جمع شدند که پولی بجهت انعام عظمی
احمد پاشا که آتش را خاموش کرده بودند آورده بودند
که بانها انعام بدست احمد پاشا گفته بود که کاری که من
کرده ام تکلیف من بود و کار ثواب بود و آدمهای مستحق
بمن توقعی از خلق ندارند و چیزی سخنانند گرفت و بیهوش
که از گوشش او و آدمهای او است که این محله بالمره سوخته
و شب بعد نزدیک بصف شب باز آتش در محله قتل
بنام زنی قاپلی افتاده بود و نظام آتش خاموش کن زود آمد
و بیشتر از ده باب خانه گذاشتند که سوخته شود و در همان
شب در چشمنه بازار و قلعه آتش در دو جا افتاده بود
و زود خاموش کردند این آتش افتاد و سجانها خلق را
بسیار تشویش انداخت است و بسیاری از مردم کمان
می کشند که گمان بدخواه بد عمل عمد این آتش را می اندازند
در بعضی محلات مردم جمع شده اند و شب کشیک می کشند
و دیوانیان نیز کشیکچیان را زیاد کرده اند و باز بعضی
مردم بی سرو پا را گرفته اند و از آنها تحقیق کرده اند یک شخصی
هم گرفته اند که در نزد خود کبریت و غیره داشته و با مردم
که میخواهند او را بگیرند بسیار جنگ و مجادله نموده اند
او را گرفته و حبس انداختند و در شهر ادینه نیز آتش افتاده بود
نزدیک چهار سوق و سیصد بار خانه و دکان و غیره سوخته بود

از اصیبه نوشته اند که در زمان دوران اطراف درین
وزدی غریب کرده اند و زودانی که در آن اطراف هستند که
فوز بدست چاکران دیوان بیعتاده اند و بزرگ آن
مشهور بنام یانی قاطرچی میباشد سه نفر فرنگی و یک
رفته بودند و نفر آنها از رعایای انگلیس بودند و یکی
از رعایای روس و زوان هر سه نفر گرفته اند و
بیشتر اصیبه پیغام فرستاده اند که تا صد هزار قروش
و هزار تومان پول ایران باشد نهند آنها را برخص
سخن آهند کرد بعد از گفتگوی زیاد قیمت آنها را هفتاد هزار
قروش ملی کرده پول را نیز در زمان فرستاده اند
تا آنها را رها کرده اند

ایشان در چین روزنامه اسلامبول نوشته اند که سعید
پیر محمد علی پاشای مرحوم که مدتی در مالک انگلیس و فرانسه
سیاحت میکرد و تاریخ نوزدهم سوال وارد اسلامبول
شده بود و رفته در منزل خواهرش که زن کامل پاشا میباشد
در بنگت منزل کرده بود و چند روز بعد از ورودش
بیدن و زرا و انمای دولت علیه عثمانیه رفته و بعد بحضور
اعلیحضرت سلطان شرف شد و سلطان نسبت مشایخ
کمال التفات را کرده بود

از شهر پرده نوشته نوشته اند که بلخ در آنجا حاضر زیاد
سجاصل زده و از قسم لوسچو خمین حاصلهای سبز را
خورد است و از برای بستن آنها بسیار تشویش سخته
اهل آنجا حاصل شده است و تشویش زیاد و سخته تاک
و درخت توت دارند چونکه در آن ولایت ابریشم زیاد

بعلی آید و اگر پنج بدخت تو ت بزنده ضرر کلی بانی آنجا خواهد رسید

ظریف مصطفی پاشا که سابقا حاکم و دین بود از آنجا معزول و حکومت ارزنة الروم نامور شده است و تا پنج بیت و هفتم سوال از اسلا بول بیرون آمده و محل ناموتیت خود روانه شده است

در یکی از روزنامه های ویتنه پای تخت استریه نوشته که چون چند سال پیش ازین هنگام باغی شدن اهل مجا بسیاری از معدنچیان آن است که همراه یاغبان بود و یونانیان درباره آنها حکم حبس ابدی کرده بودند درین روزنامه اعلیحضرت امپراطور استریه از تقصیر آنها گذشته و عفو فرموده و همه را مرخص کرده است

ایضا در همان روزنامه نوشته اند که بنا دارند که راه سخته تردد کاسک سنجار از وسط مملکت ایتالیا الی مملکت استریه بازند و لکن چونکه این راه از ممالک چندین پادشاه میگذرد باید باین دول آنجا عهدنامه ببندند تا این کار برآید

در بین سیاحت اعلیحضرت امپراطور استریه در مجستان نزدیک بصره مملکت والا کیتلومه بود حاکم آن ولایت از اعیان آنجا بشهر حضرت سیداد فرستاده بود که سجده امپراطور استریه برسند بعد که امپراطور بصره مملکت والا کیتلومه بود حاکم آنجا پیشوا ز رفته و آنچه لازمه خدمت و حرمت بود نسبت بامپراطور بعل آورده بود

ایضا در روزنامه ویتنه نوشته اند که پادشاه یونان رسیده بود و بنیاد است چند وقت در آنجا توقف بکند

و بعد از آن به باب کرم مملکت منبر رود

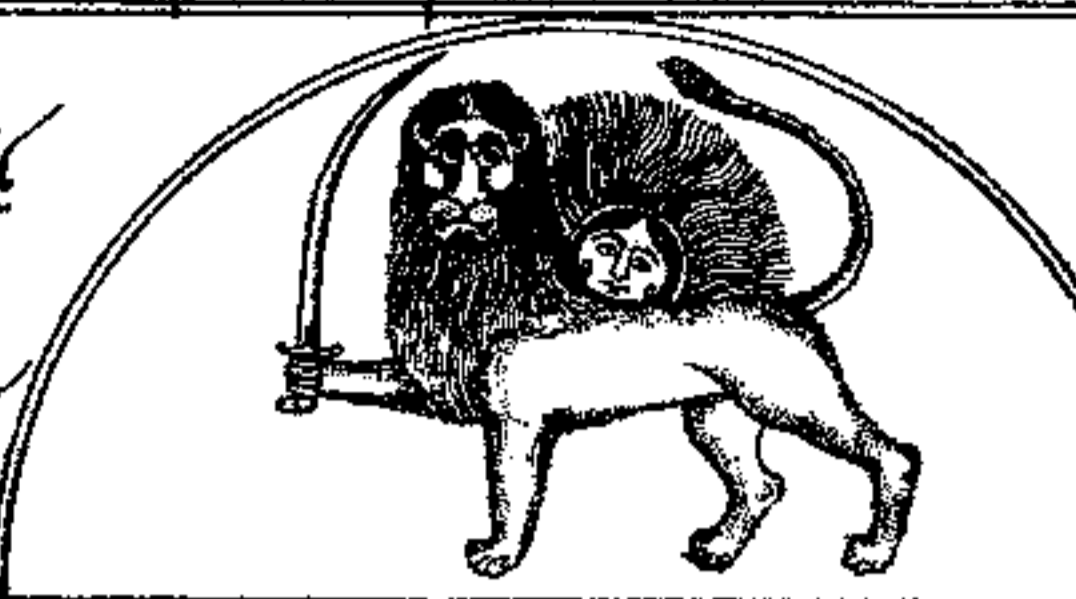
قیامین قونسول فرانسه مقیم طر بونی و حاکم آنجا گفتی بحث و مخالفت اتفاق افتاده است در سر اینکه دو نفر از قشون فرانسه که رنجته و بشهر طر بونی آمده بودند و پاشا آنجا آنها را نگاهداری کرده بود و قونسول مذکور آنها را احضار بود پاشا داده بود قونسول مقیم بیرون رفتن از آنجا نموده بود و کم مانده بود که این گذارش سنجی و منازرت بشد آخر الامر پاشای مزبور این دو نفر فراری را پس داده و گذارش با صلاح تمام شده بود و لکن چند روز بعد از قونسول فرانسه بولایت خود مراجعت کرده و هر چه در باب فرانسه در آنجا بود در زیر حمایت دولت پاریس قبول گذاشت

اعلانات

چونکه ملا علی اکبر ولد ملا عبد الله که از رعایای دولت بیه راه سس است فوت شده است بناست که در روز جمعه شانزدهم ماه ذی حجه اسحرام اموال متروکه او در سفار سنجان اعلیحضرت امپراطور روس در دارالخلافه طهران بقاعده براج فرودتته شود لکن این مطلب بجهت استحضار خلق در روزنامه اعلان می شود که هر کس شش باشد در روز جمعه شانزدهم ماه ذی حجه اسحرام چهار ساعت از روز بالا آمده در سفار سنجان دولت بیه روس حاضر شود

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ روز پنجشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۰۲

هرمیشنا و مغم
مرکز و طردن باب
دین روزنامه باشد
در بازار حد در کان
سیه نظر در شرف
بیش



قیمت روزنامه
یکشنبه شایسته
قیمت اعلانات
یکمطرا اجاره کدور دنیا
پیشتر به هر روز

اخبار و احسنه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه هفتگذشته اعلیحضرت قوی
پادشاهی بجهت تفریح سوار شده بسمت امیرآباد
اطراف تشریف بردند و تا عصر در آنجا تشریف داشتند
تزدیک به دو بوقت یک سوکب جایون بهمارت ارک
سلطانی معاودت فرمودند

در روز شنبه دهم اینماه که روز عید اضحی بود اعلیحضرت
قوی شوکت پادشاهی بسلام نشند اولیای دولت
و چاکران حضرت بعد از پنج قربانیا و ادای صلوة عید
بدر بار جایون شتافته هر یک در مقام خود شرفیاب
حضور هر ظهور خسروانی گردیدند و شیلیک قوی و زینورک
بقانونی که درین دولت علیه متداول است شده بعد از آن
اعلیحضرت پادشاهی بهمارت سردرب دیوانخانه
که مشرف بمیدان ارک است بجهت بارعام تشریف فرما
و عموم حشون از وضع شریف و نظام و غیر نظام باشکوه
و آراستگی تمام در میدان ارک حبس شده وجود جایون
زبارت و تقدیم مراسم شکرگزاری و شادمانی و مستر
مسترب

چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شده که اعلیحضرت
پادشاهی منظور دارند که کالسکه سواری درین دولت
علیه رواج یابد و عموم حشون را از شکار و کتبه و غیره
فرموده اند که بجای کتبه بنشینند و درین اوقات حساب
مسترب انخان خان صاجیح و جوه خارجه و عواده
کالسکه چهار اسب بسیار سحر و مضبوط و خوب
با تمام رسانده و در میدان پرون دروازه محمدیه در
کاروانسرا کالسکه خانیه بسته شده و اسبهای قوی
و آرام و راهوار آموخته و تربیت شده است که هر کس
از ذکور و اناناش که بخواهد سوار کالسکه شود و بهر جا که
بخواهد برود در هر ساعت بگذارد و بنا کرد که باید و ذواب
و ایاب هر قدر طول بکشد از قرار ساعتی بگذارد و بنا کرد
ببندد و سواهی وجهه کرایه مزبور بچکس از کالسکه حی
و سایر عمل دیناری بیچ اسم و رسم نباید توقع
مسترب انخان خان سلیمان خان خانان در روز عید قربان

۵۱۷

حسب الامر اعلی حضرت پادشاهی مأمور زنج شتر قران
 کرده بقانونی که درین دولت علیه رسم است با عیال
 کلانتر و که خدایان و جمیعت زیاد از کسب و اصناف
 و نقاره خانه و شاطر و یک و غیر بیشتر قربانی را از دولت
 دولت بیرون برده در پهلوی بخارستان اول معرب
 شار الیه نیزه زره و اشتر را سخر نموده بعد از آن کلانتر و
 که خدایان استیبار و کسب و غیره صنف بصنف بقراری که
 دارند که هر یک عضوی از شتر قربانی است میند آید با کمال
 نظم قسمت خود را بردند و باوصف از دام زیاد از احد
 صد البته شده وارد ارک سلطانی گردیده و بعد از او
 خطبه در مقابل درب دیوانخانه مبارک عموم خستق به عاکو
 ذات اقدس بایون اعلی حضرت پادشاهی مبادرت نمود
 متفرق گردیدند

چون عالیجاه محمود خان کلانتر تائب اهتمامات خود در
 انجام خدمات دیوانی و رسیدگی بنظم امور شهر و محلات مشهور
 انشای دولت قاهره ساخته لهند حسب الاره العلیه محض
 ظهور رحمت لولکانه در باره مشارایه با عطای یک ثوب
 جبه ترمه لاکه مختلف و مباحی گردید
 در روزنامه اجبار شهر نوشته اند که چای دز پهلوی در
 محله بیجه فاضل آب حمام کهنه بوده اند ضعیفه غفله مباح
 چاه افتاده قدری صدمه بنیای او خورده و لکن ضرر جانی
 باور رسیده است

و هم چنین در محله بازار عروسی بوده است شخصی درین
 رختهایش شش گرفته و قدری از اعضایش نیز سوخته است
 و لکن تپوش ملاکت دارد

دیگر نواز و کاکین کنار خندق که در دست سردار خان مروی است
 صاحب کافی سقف دکان را بر چیده بوده است که خنجره و انبیا
 یکی از آنها که دکان را اجاره کرده است نیز چوب بستون اینجا
 خالی مسکوده است ستون افتاده و دو نفر از خردار کرده است
 ولی بچکند هم ملاکت دارند
 امورات قشونی

چون اعلی حضرت قوی شوکت پادشاهی در حصول
 از مجاری احوال و اوضاع عموم شکر نصرت اثر کمال
 اهتمام و تاکید را دارند علی هذا جناب محبت و جلال
 صدر اعظم افخم بینه زوسای لشکر مأمور سرحدات
 نوکدان نوشته اند که روزنامه نوکر جمعی خود را ماه بانه بدون
 تخلف نوشته بدربار معدلت مدار بایون روانه نمایند
 که بعضی بنای دولت علیه برسد

چون خدمات عالیجاه مقرب انخافان محمد خان میر خجسته
 منظور نظر اتمه سس بایون اعلی حضرت پادشاهی است
 لهذا محض حصول مزید افتخار و مبالغات و دلگرمی او و شایسته
 عالیجاه محمد باقر خان سپه او منصب سرمنکی فوج ششم
 تبریزی را که ابوالصبح مقرب انخافان مشارالیه است
 بجایگاه محمد باقر خان رحمت و اگذا فرمودند و فرمان
 مودلعان رسم بافتخار او شرف صدور یافت باطلعت
 بایون رحمت و ارسال شد

عالیجاه محمد مراد خان سرمنک فوج بیست و نهم چون
 از قدیمی سرمنکان این دولت قوی شوکت علیه است
 و در اسفار خراسان و بکرات و ایسترا آباد و رنجان
 و غیره همیشه با فوج خود حاضر و مستدر خدمات نمایان شده

لندم احسم بیکران لوکانه شامل احوال عالیجا پشایی
شد بمنصب جلیل تیرپسی سرافراز گردید و فرمان
تا یون با افتخار او شرف صدور یافته با خلف طاعت
مرحت و عنایت گردید

سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان
نوشته شده بود این اوقات در آنجا در محله در سرد
و خورشید نامه از زن کربلانی حسین نام متولد شده
که چشمهایش در پیشانی بوده و ابرو نداشته و در
دندان در زیر داشته و دو شاخ در پشت گوشها
بوده است زبانش مانند زبان گاو و موی سرش
مثل موی سر گاو از کمر پایین سفید و از کمر بالا سیاه
بوده و دندان بسیار کوچک کرده داشته است و
یکساعت بعد از تولد مرده است

برای تربیت اطفال آفتاب از مذک اطفال آنها در آنجا
مشول تحصیل علوم باشند
استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته شده بود
این اوقات از ترکمانان تکه برای تاخت و تازیکه
بست کوکلان رفته بودند جماعت کوکلان جمعی
شایدن این خبر سوار شده آنها را تا نزدیک جنگل
کرده همه آنها فرار کرده بمیان جنگل رفته بودند
و جماعت کوکلان بقدر کبدر کسب از آنها
گرفته و خود آنها را معکوب ساخته اند که مخدول
و سنکو با پیاده خود را بچکل زده یکی متفرق و متواری
گردیده اند

احوال متفرقه

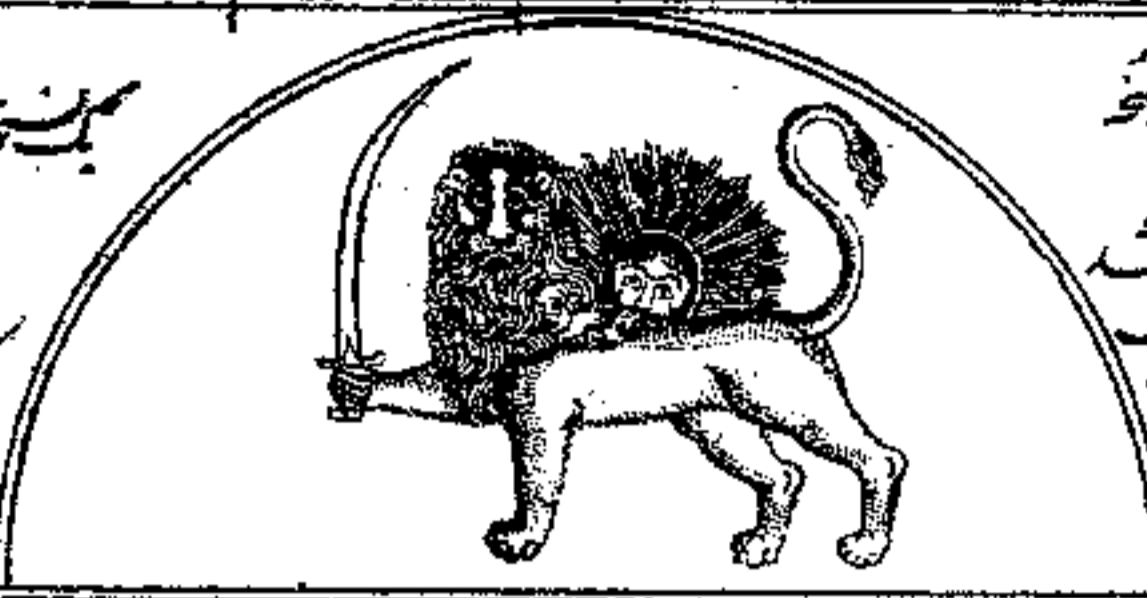
در باب طلای فراوان که از کلی فارسها و استرالیای
بیرون آورده اند خصوصاً از مملکت استرالیای چونکه اکثر
این طلا بولایت انگلیس آید در وادوستند تجار از
فراوان شدن طلا بسیار کساد بهم رسیده است
که از آن ستمی آید طلا بولایت انگلیس آید
و حال در میان تجار پول چنان فراوان است که نسبت
ب سابق چندان فریب ندارد سابقاً اشاع پول از قریب
سالی در صد تومان پنج تومان بود حال در صد تومان
سه تومان و پنجم نمیدهند و مردم نمیدانند که
این فراوان شدن پول آخر الامر در ولایت انگلیس
خیز خواهد داشت یا ضرر خواهد کرد
در روزنامه های نسیم نوشته اند که مدتی است که

دیگر در روزنامه آذربایجان نوشته بودند که
اشاع مرده صحت و سلامت وجود مسعود
اعلی حضرت پادشاهی که نواب شاهرزاده والای آذربایجان
حشمه الدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان
مقرب الخاقان وزیر نظام و کل ای آذربایجان اظهار
شادمانی و شکر گذاری کرده شهر را این شبهه چنان
نموده قربانها کردند چون از ارمانه آذربایجان حشم
در آن عیش و عشرت مراسم شکر گذاری و شادمانی
بطور شایسته تقدیم رسیده بود نواب معزی البیه
بعالیجا میرزا مصطفی خان با شرمه نام خارج آذربایجان
حکم کرده اند که سباب حجره در حیات کلیت بیای تیریز

<p>ممنوعه نتوانند در باب گزنگ در ولایت خودشان طوری بکنند که در کل ممالک آن ولایت گزنگ بیک قرار و یک طور باشد حال بعضی قرار گذاشته اند که مال از دول خارج بی گزنگ زیاد داخل ولایتشان نشود خصوصاً از مملکت انگلیس و این کار را کرده اند بجهت پیشرفت کار و صنعت صنعتکاران خودشان بعضی امالی این ممالک به دیگر عهد نامه درین خصوص بسته اند و سعی می کنند که کل ممالک آن ولایت درین باب تویشان و حرفشان یکی باشد و لکن تا بحال قراری نگرفته اند</p>	<p>مذمب گزنگ چونکه با پا جدا اهل این جزایر رسیده است حکم کرده اند که هر چه کلیبیای مذمب کوتولیک باشد در جزایر یونان ببندند</p>
<p>درین هفته روزنامه از فرنگستان رسیده است و آنچه قابل ترجمه کردن و نوشتن در روزنامه بود در هفته گذشته نوشته و چاپ رفته است ولیکن اخبار تازه از فرنگستان این روز نخواهد رسید</p>	<p>در گزنگ ممالک نزدیک بجز استوا که جنگلهای فراوان دارد و درختهای این جنگلهای بسیار بزرگتر از درختهای سایر ممالک روی زمین است و چون بسیار توان و محکم و خوب میشود از جمله درین روزنامه اند یکی ازین درختها یک پارچه تخته بریده اند که چهل و چهار ذرع و نیم طول و نیم ذرع عرض و دو کره و نیم قطر او بوده و حساب کرده اند که درختی که این تخته از او بریده شده باید نزدیک هشتاد ذرع بلندی او باشد</p>
<p>اعلانات کتابهای چاپی طهران که در باسمه خانه حاجی عبدالحمید استاد دارالطباعة این روزنامهها در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع شده از تعمیر فرجه میشود</p>	<p>کشکول هشت هزار دینار حدیقه الشیعه یک تومان زیفت المجالس یک تومان فضول خوارزمی دو تومان قصص الانبیاء چهار دینار حدیقه ثنائی یک تومان یوسف زلیخا چهار هزار حق البعین پانزده هزار حسینه چهار هزار حلب یک تومان شاهنامه پنج تومان قاموس سه تومان مجمع العجربین سه تومان تخته الزائر یک تومان</p>

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ بیت و دویم ماه ذیحجه الحرام سنه ۱۳۶۱

نزهت و شاد و شگفتی
هر کس در طهران باشد
ازین روز تا ماه باشد
در بازار جدید در کافه
سید تقی پور فروش
فروخته میشود



قیمت اعلانات
یک خط اول چهار خط
بیشتر بر هر خط

اخبار داخله ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه هفدهم گذشته اعلیحضرت آقا س
هایون پادشاهی سجه کشت و تماشا بست
کن و سوتیان حرکت فرمودند و چون درین سو
شکار کبک در آنجا فراوان است سجه شکار کبک
فرمان شده تا عصر در آنجا کشت و شکار و
تفریح فرموده و بعد از عصر نزدیک بغروب آفتاب
به دارالخلافه مبارکه بارگ سلطانی معاودت
فرمودند

هایون را زیارت نمایند بیافانته سرور پادشاهی
مبارکه که مشرف بمیدان ارک است تشریف فرماید
و ضعیف و شریف دعا عالی دادانی دارالخلافه مبارکه
از ذکر و اذکار بمیدان ارک مجتمع شده و خود فایز
اعلیحضرت پادشاهی را زیارت نمودند و بعد از
اذای مراسم جشن و شادمانی از آنجا به عمارت
مبارکه سلطانی مرتب فرمودند

در روز یکشنبه بیستم این ماه که روز عید غدیر
ختم بود اعلیحضرت پادشاهی بقاعده که درین
علیه متولد است سلام فرمودند و اسامی دولت
و چاکران حضرت کردند و نبط سلام پادشاهی
و هر یک در محل و مکان مخصوص خود شرفیاب حضور
مهر ظهور خستروانی گردیدند و بعد از ظهر التفات ملک
در باره اسامی دولت و چاکران در باره هایون بعد
طرف عصر سجه پارعام که خواص و عوام وجود مسعود

چون عالیجاه مقرب الخاقان میرزا احمد خان ناظم دیوان
مکام ماموریت بهرات از عهده تقدیم خدمت محوله بخود
بطور خوب و شایسته برآمد و خدمت او در پیشگاه حضور
هایون اعلیحضرت پادشاهی بسیار مقبول و پسندیده
افتاده بود این روز که محض ظهور رحمت ملکانه در باره
عالیجاه مشارالیه یک ثوب جبهه ترمه اعلی برسم خلعت
ببالیجاه مشارالیه رحمت و عنایت گردید

چون عالیجاه مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد خان
مأموریت سجای ترخان که نجاست کارپردازی آنجا
مشغول بود از عهده تقدیم خدمت محوله بخود بطور خوب

۵۲۱

باید حسن اتمام و مراقبت عالیجا بشار الیه در خاک پای
اقدس جلیون پادشاهی مقبول و پسندیده افتاد بود
این اوقات که برکات حضرت انتساب حضار شد کثرت
جبهه تره اعلی برسم خلعت در باره عالیجا بشار الیه
مرحمت و عنایت کردید

این اوقات اولیای دولت قاهره حسب الآراء العلیه
عالیجا میرزا عبدالوهاب کیسلانی را بستونی گری و سر
واری کیسلان سرافراز کرده و یک ثوب ججه کرمانی
از جانب اعلیحضرت پادشاهی برسم خلعت در باره
عالیجا بشار الیه عنایت و رحمت کردید

سایر ولایات

یزد و کرمان از قراریکه امیر الامراء و العظام متعرب
محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان نوشته بود بعد
از زود و پیرو بیخته انتظام امور آنجا چند روز در آنجا
توقف داشته و در دوازدهم این ماه قرار بوده است
که بکرمان روانه شود

دیگر نوشته شده بود که عمارت دیوانی یزد خرابی
داشته امیر الامراء و العظام سردار حاکم یزد و کرمان
از زود و آنجا قدغن کرده است که خرابی عمارت را
تعمیر کنند و با الفل بنای و عمل و عمارت مزبوره در کار
و همچنین از قراریکه نوشته بودند چون آب منزل نکشید
که تعلق سجاک یزد دارد قدری شورا است و آب شربی
که دارد بقدر کفایت حال شرذدین و عابریین
از کم آبی بر عابریین بسیار بیسکد شده است متعرب آنجا
بشار الیه بعد از استحضار بر این معنی قرار کرده است

که قنات مشهور بقنات نکشید را که آب شیرین خوبی
و از عدم تقیه آب قنات مزبور بسیار کم شده بود
که قلیل آبی داشته تقیه نمایند که را که مزبور در آنجا
باشود کی عبور و مرور نمایند و بجهت حصول مزید و
کوفی ذات اقدس جلیون پادشاهی تاکید و اتمام
در زود و زباد کرن آب قنات مزبور شده است
و متقیان الآن در قنات مزبور مشغول کار کردن
و تقیه میباشند

دیگر نوشته بودند که عالیجا نور الله خان نایب
تو چنانچه یزد روزها در نارنج طعه آنجا مشغول مشق
دادن توپچیان متوقف یزد میباشند و در کمال نظم
حرکت میکنند و از احدی خلاف قاعده و بیجا
ناشی و صادر نمیشود

فارس

از قراریکه در روزنامه شیراز نوشته ولایات
فارس از فضیلات خداوندی و مین وجود مسعود
اعلیحضرت پادشاهی در نهایت اقیانوس و فراوانی
وارزانی نعمت است و جمیع الهی فارس با کمال
اسودکی و شکرگزاری دولت قوی شوکت
علیه میباشند و بعد از وصول بشارت صحت
و سلامت وجود فایض ایچو اعلیحضرت پادشاهی
و گرفتار شدن طایفه ضاله بابتیه حسب الامر نوب
مستطاب شاهزاده و الاثبار نصره الدوله فیروز
صاحب اختیار مملکت فارس سه شبانه روز
حکم کرده اند که شهر میراز را چراغان کرده و عموم خلق

ن

اصفهان

انجا از عالی و ادانی و محارفات و هیز از ضعیف و کبر
 و برنا و پیر تقدیم مراسم شکر گذاری و چراغانی
 و عیش و قربانی و عشرت و شادمانی کرده اند
 و حسب الحکم نواب نصره الدوله در میدان توپخانه
 تخت زده اند و مطرب و بند باز و غیره حاضر گشته
 بنای مطرب و نشاط را گذارده اند و نواب معزی
 همه روز در بالا خانه نشسته و هر روز بعد
 شش ساعت عیش و عشرت و وجد و سرور
 بوده و آنچه لازم انعام و بخشش بوده است
 و چهارده نفر و زده که عالیجا محمد حسن خان نایب
 گرفته بشهر آورده بوده است نواب معزی ایله
 آنها را چوب زده و بعد از سه روز و از
 قرا آنها را در خارج در جای مشهور بتنگ الله و کبر
 حکم نموده و بسزای اعمال ناشایست خودشان
 رسانده اند و دو نفر دیگر آنها را که سرقت آن
 دو زده نفر را برود داده بودند مرخص نموده اند
 حال طرق و شوارع آنجا که سابقا از دست انداز
 و زوان محفوظ بود کمال انبیت را دارد

تا پنج قلعه شیراز را که حسب الحکم امنای دولت قاهره
 چندی قبل ازین در نهایت استحکام و انضباط
 بنا گذارده بودند این روزها نوشته اند که هر روز
 قریب پانزده نفر بنا و مصت نفر عمل و غیر مشغول
 کار هستند و نواب نصره الدوله نهایت سعی و اهتمام
 در انجام کار آنها دارند و هر روز خود بنفسه در کار
 آنها رسیدگی می نمایند و مقرراتی که زود با تمام برسد
 و بیکر نوشته بودند که دو نفر زد یکی محمد نام از اهل
 و دیگری میرزا نام شاهسون که سرقت آنها بجهت
 رسیده بود میرزا نام را در رسیدن شاه اصفهان
 عالیجا نایب الحکومه حکم کرده است که تنبیه و سزا
 و آخر سرقت او نموده اند و محمد نام را آنچه کتبت
 و پیری که قریب بیستاد سال از عمر او گذشته
 بوده است خدمت جناب شیخ محمد باقر رسانده
 و توبه اش داده اند

۵۲۳

کتابخانه

عربستان

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند
صغیر عربستان در سرحد بندر حمزه در نهایت امن و امان
و فراوانی نعمت میگذرد اعلی و ادنی مشغول و حاکمانی و لشکر
گذاری دولت قوی شوکت میباشند و وظایف ضابطه بانی
در این صفحات تقدیر محمد پیدانی شود

ایضا از حمزه نوشته اند ماهی کوسه که آدم خوار است درین فصل از
دریا به شط می آید و بسیار حالت عجیب غریب ازین ماهی نقل نمیشد
این روز با یک نفر سرباز از دست نصر فتنه سلطان فوج جدید
سیلاخوری را ماسی کوسه بلعیده که آثاری از نفس او نمانده

ایضا از حمزه نوشته بودند در شانزدهم شهر رمضان المبارک
غباری ظاهر در روز در تریزید بود چنان خلطت غبار پدیدار
گشت که اکثر روز از صبح الی یک ساعت از شب گذشته
اقاب پیدانشد بعضی روز بار و شنی آفتاب مفقود گشت
بقدری بود که در وقت قدم شخص آدم نمیشد مگر از او آت
دو ساعت از شب گذشته غبار بکنار و بجلی بر طرف جوهری و
اعتدالی پیدایشد خداوند تفضل کرد که با خلطت غبار و
فتنای احتباس در فصل شدت گرما و طولانی بودن
روز با حرارت و گرمای زیاده نبود بلکه بعضی روز اعتدال داشت

قرنوبین

الحمد لله رب العالمین ازین وجود حضرت اقدس شهر باری
و اتمام انسانی و دولت ولایت در نهایت امن و امان و فراوانی
دارزانی نعمت میگذرد و جمیع مردم از اعلی و ادنی مشغول عاقلان

و لشکر گذاری دولت قوی شوکت میباشند و حسب الحکم
قرار داد سابقین بود که سه شهر بندر اتصاع میگیرند
از آن تاریخ الی حال بنا و عمده آنها مشغول کارند و بجهت تاکید
بر اینست تمام و اتمام کار و ادالی متفرقه داشتند که در سر بند چاره
زده هر روز به شتر تصبیح میروند و مغرب بر جهت میباشند
و نهایت دقت و اهتمام در اتمام کار رسد مزبور دارد

ایضا از قرنوبین نوشته بودند که سید حسین نامی از اهل بخت
خود را بصورت فقیر ساخته که ادنی میگرد قضا و اتفایه در نصف
شب کنج خرابه بگیر کر نه افتاد او را بزودار و غده آوردند در غم
هم بجهت تحقیق مطلب و را نگاه داشت بعد شخص شد در زیر

جل بندی سخوابی دارد دار و غده از ترس هتسرا خود در قه آن
شخواه را گرفته دید یکصد و چهل تومان شرفی بشماره در کتبت
از صبح خدمت والی عرض کرد والی هم سید را خوانسته
در حضور جمعی احوال پرسیدند که تو شخواه داشته چه قدر بود
گفت مبلغ یکصد و چهل تومان بدون کم زیاده شرفی دادم
در همان ساعت والی حکم کرده شخواه و در اتمام و کمال تسلیم
نمودند و او را بدست تاجر میسنی سپرد که بار انخلا ذر رسانند
که از کوانه ولایت اشش شود

ایضا از قرنوبین نوشته اند چون قرار داد ادالی
قرنوبین است که شبهای جمعه بجهت فاتحه خوانی اهل قبور
در بیرون شهر میروند در شب جمعه مسجد بسم شهر ذمی فتنه
زنی در سر مرز جوان خود چنان کرست که از خود در فتنه عثمانی
نمکدشت که فوت شد